



آموزش قواعد و مفاهیم درس (الأعداد من واحد إلى مئة/ اعداد از ۱ تا ۱۰۰)

اعلموا: بدانید / اعداد اصلی و ترتیبی و رابطه شان با معدود

یکی از مباحث مهم در زبان عربی بحث عدد و معدود است. در سال‌های گذشته با دو نوع عدد (اصلی و ترتیبی) آشنا شدیم، آن هم از یک تا دوازده و از یکم تا دوازدهم (برای آشنایی با ساعت و وقت). اینک در این درس علاوه بر اعداد ۱ تا ۱۲ قواعد بقیه‌ی اعداد تا ۱۰۰ را می‌آموزیم و ارتباطش را با معدود (اسم قابل شمارش بعد از آن) از نظر اعراب (مثنی و جمع) یادآور می‌شویم.

عدد و معدود هر دو اسم هستند (اسم + اسم) و حرف و فعل^۲ نیستند، بنابراین بحث عدد و معدود یک ترکیب وصفی یا اضافی است و باید مواظب حرکت، جنسیت و تعداد این دو اسم باشیم.

اعداد
 اصلی: یک، دو، سه، چهار، پنج، ... صد
 ترتیبی: یکم، دوم، سوم، چهارم، پنجم، ... صدم

عدد ۱ و ۲ و رابطه شان با معدود

عدد ۱ (واحد، واحدة) و ۲ (إثنان، اثنین، اثنان، اثنین) بعد از معدود و به عنوان صفت می‌آید؛ یعنی اول معدود و بعد عدد می‌آید، اگر معدود مذکر باشد، عدد مذکر و اگر معدود مؤنث باشد، عدد مؤنث می‌آید:

- اگر معدود، مذکر و یکی باشد + واحد ← کتاب واحد (یک کتاب) / سائِح واحد (یک گردشگر)
- اگر معدود، مؤنث و یکی باشد + واحدة ← مدرسة واحدة (یک مدرسه) / عُرفَة واحدة (یک اتاق)
- اگر معدود، مذکر و دو تا باشد + اثنان یا اثنین ← کتابان اثنان / کتابین اثنین (دو کتاب) / عُصنان اثنان (دو شاخه) / قلمین اثنین (دو قلم)
- اگر معدود، مؤنث و دو تا باشد + اثنان یا اثنین ← مدرستان اثنان / مدرستین اثنین (دو مدرسه) / مُدرستان اثنان (دو خانم معلم) / امرأتین اثنین (دو زن)

نادرست: ۱) واحد قلم، ۲) واحدة عُرفَة، ۳) اثنان کتابان، ۴) اثنان عُرفتان، ۵) قلم واحدة، ۶) کتاب واحد، ۷) کتابان اثنین

درست: ۱) قلم واحد، ۲) عُرفَة واحدة، ۳) کتابان اثنان، ۴) عُرفتان اثنان، ۵) قلم واحد، ۶) کتاب واحد، ۷) کتابان اثنان یا کتابین اثنین

عدد ۳ تا ۱۰ و رابطه شان با معدود

الف) عدد مذکر برای معدود مؤنث: ثلاث (۳)، أربع (۴)، خمس (۵)، ست (۶)، سبع (۷)، ثمانی (۸)، تسع (۹)، عشر (۱۰) مانند: ثلاث مُعلّمات (سه معلم خانم)، أربع سَمکات (چهار ماهی)، خمس تلمیذات (پنج دانش‌آموز)، ست فواکه (شش میوه)، سبع حدائق (هفت باغ).

۱- مبحث اعراب (مرفوع، منصوب، مجرور و مجزوم) را در درس‌های آینده خواهیم آموخت.

۲- باید بدانیم که کلمات در عربی به ۳ دسته تقسیم می‌شوند: اسم، فعل و حرف (مقصود از حرف در اینجا کلماتی، مانند «من، إلی، فی، علی و...» است که به تنهایی معنا ندارند و در جمله معنادر می‌شوند).



ثمانی قصص (هشت قصه)، تسع ناجحات (نه انسان موفق)، عشر صفحات (ده صفحه)

عدد مذکر + معدود مؤنث

ب) عدد مؤنث برای معدود مذکر: ثلاثه (۳)، اربعه (۴)، خمسة (۵)، ستة (۶)، سبعة (۷)، ثمانية (۸)، تسعة (۹)، عشرة (۱۰)

مانند: ثلاثة دفاتر (سه دفتر)، اربعة اقمار (چهار ماه)، خمسة معلمين (پنج آقا معلم)، ستة شوارع (شش خیابان)، سبعة مديرين (هفت مدير)، ثمانية بيوت (هشت خانه)، تسعة مفاتيح (نه كليد)، عشرة ابواب (ده در)

عدد مؤنث + معدود مذکر

★) معدود سه تا ده، مضاف اليه (و مجرور) و به صورت جمع (مذکر سالم، مؤنث سالم، مکسر) و از نظر جنس مخالف عدد می آید.

نادرست: (۱) ثلاث كتابا، (۲) اربعة كتباً، (۳) خمس كتاب، (۴) خمسة كتب، (۵) ستة أقلاماً، (۶) عشرة مدرسية، (۷) ثمانى دفتر، (۸) سبع نبى، (۹) تسعة صفحات

درست: (۱) ثلاثة كتب، (۲) اربعة كتب، (۳) خمسة كتب، (۴) خمسة كتب، (۵) ستة أقلام، (۶) عشر مدارس، (۷) ثمانية دفاتر، (۸) سبعة أنبياء، (۹) تسع صفحات

اعداد ۱۱ و ۱۲ و رابطه شان با معدود

الف) اول عدد و بعد معدود می آید:

أحد عشر / اثنا عشر، إثني عشر / إحدى عشرة / اثنتا عشرة، اثنتي عشرة + اسم قابل شمارش

ب) عدد و معدود از نظر جنس با هم هماهنگی دارند:

عدد مذکر + معدود مذکر / عدد مؤنث + معدود مؤنث

ج) معدود آن ها مفرد می آید:

أحد عشر كوكباً (يازده ستاره)، إحدى عشرة مدرسة (يازده مدرسه)، اثنا عشر إماماً (دوازده امام)، اثنتا عشرة آية (دوازده آيه) نادرست: (۱) أحد عشر رايك، (۲) أحد عشر صفحة، (۳) اثنا عشر كتباً، (۴) اثنتا عشرة قلماً، (۵) اثنتي عشرة دفترأ، (۶) اثنا عشرة مدرسة، (۷) إحدى عشرة كوكباً، (۸) أحد عشرة معلمة

درست: (۱) أحد عشر رايكاً، (۲) إحدى عشرة صفحة، (۳) اثنا عشر كتاباً، (۴) اثنا عشر قلماً، (۵) اثني عشر دفترأ، (۶) اثنتا عشرة مدرسة، (۷) أحد عشر كوكباً، (۸) إحدى عشرة معلمة

اعداد ۱۳ تا ۱۹ و رابطه شان با معدود

الف) اول عدد و بعد معدود می آید.

ب) جزء اول عدد (يكان) يعنى «ثلاثة» و «ثلاث» در «ثلاثة عشر» و «ثلاث عشرة» از نظر جنس مخالف با معدود می آید و جزء دوم عدد (دهگان) يعنى «عشر» و «عشرة» در «ثلاثة عشر» و «ثلاث عشرة» از نظر جنس موافق با معدود می آید.

ج) معدود مفرد می آید.

خمسة / عشر / تمثالاً (پانزده تندیس) (جزء اول مؤنث + جزء دوم مذکر + معدود مذکر)

سبث / عشرة / مدينة (شانزده شهر) (جزء اول مذکر + جزء دوم مؤنث + معدود مؤنث)

نادرست: (۱) ثلاث عشر كتاباً، (۲) اربعة عشرة صفحة، (۳) سبعة عشر صفحة، (۴) تسع عشر دفاتر، (۵) ثمانى عشرة مجلات، (۶) ستة عشر قلم نادرست: (۱) ثلاثة عشر كتاباً، (۲) اربع عشرة صفحة، (۳) سبع عشرة صفحة، (۴) تسعة عشر دفترأ، (۵) ثمانى عشرة مجلة، (۶) ستة عشر قلماً

اعداد ۲۰، ۳۰، ۴۰، ۵۰، ۶۰، ۷۰، ۸۰، ۹۰ (که اصطلاحاً اعداد عقود نام دارند) و رابطه شان با معدود

الف) هم با معدود مؤنث و هم مذکر یکسان به کار می روند.

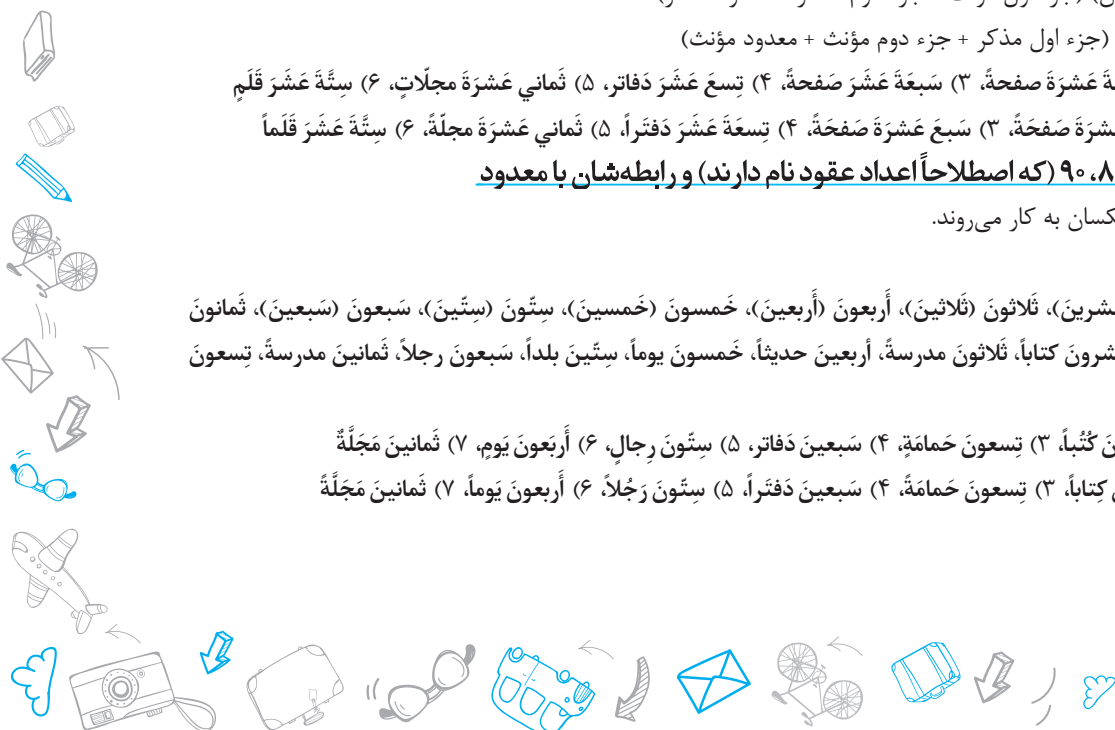
ب) معدود آن ها مفرد می آید.

اعداد عقود عبارت اند از: عشرون (عشرين)، ثلاثون (ثلاثين)، أربعون (أربعين)، خمسون (خمسین)، ستون (ستين)، سبعون (سبعين)، ثمانون (ثمانين)، تسعون (تسعين). مانند: عشرون كتاباً، ثلاثون مدرسة، أربعين حديثاً، خمسون يوماً، ستين بلداً، سبعون رجلاً، ثمانين مدرسة، تسعون صفحة

نادرست: (۱) عشرون صفحة، (۲) ثلاثون كتباً، (۳) تسعون حمامة، (۴) سبعين دفاتر، (۵) ستون رجال، (۶) أربعون يوم، (۷) ثمانين مجلة درست: (۱) عشرون صفحة، (۲) ثلاثون كتاباً، (۳) تسعون حمامة، (۴) سبعين دفترأ، (۵) ستون رجلاً، (۶) أربعون يوماً، (۷) ثمانين مجلة



خبریه





عددهایی که با او عطف می آیند، یعنی از ۲۱ تا ۹۹ و رابطه شان با معدود

به غیر از اعداد عقود که گفته شد و اصطلاحاً این اعداد «معطوف» نام دارند.

الف) معدود آن‌ها مفرد می آید.

ب) اگر یکان عدد ۱ و ۲ باشد (بیست و یک / بیست و دو / سی و یک / سی و دو / ...) از نظر جنس با معدود موافق می آیند (مذکر با مذکر و مؤنث با مؤنث) ولی اگر یکان عدد ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸ یا ۹ باشد، یکان عدد از نظر جنس مخالف معدود می آید؛ مانند:

واحدة (مؤنث) و عشرون جامعة (مؤنث)

تِسْع (مذکر) و تِسْعون بقرة (مؤنث)

سَبْع (مذکر) و ثلاثون حديقة (مؤنث)

ثلاثة (مؤنث) و ستون طائراً (مذکر)

تِسعة (مؤنث) و عشرون كُرسياً (مذکر)

نادرست: ۱) واحد و عشرون كتاب، ۲) ثلاثة و خمسين مجلات، ۳) خمس و سبعون كرسياً، ۴) أربعة و ثمانين غرفة، ۵) تسع و تسعون مديراً،

۶) خمسة و خمسين معلمة

درست: ۱) واحد و عشرون كتاباً، ۲) ثلاث و خمسين مجلة، ۳) خمسة و سبعون كرسياً، ۴) أربع و ثمانين غرفة، ۵) تسعة و تسعون مديراً،

۶) خمس و خمسين معلمة

عدد ۱۰۰ و رابطه اش با معدود

الف) عدد صد (مئة) به صورت (مائة) نیز نوشته می شود.

ب) با معدود مذکر و مؤنث یکسان به کار می رود.

ج) معدود به صورت مضاف‌الیه و مفرد می آید.

مائة كتاب، مائة غرفة، مائة مدرسة، مائة يوم، مائة معلم، مائة معلمة، مائة قلم

اعداد ترتیبی ۱ تا ۲۰ و رابطه شان با معدود

الف) اعداد «الأول، الثاني، الثالث، الرابع، الخامس، السادس، السابع، الثامن، التاسع، العاشر، الحادي عشر، الثاني عشر، الثالث عشر، الرابع عشر، الخامس عشر، السادس عشر، السابع عشر، الثامن عشر، التاسع عشر، العاشر عشر» برای معدود مذکر به کار می رود.

ب) اعداد «الأولى، الثانية، الثالثة، الرابعة، الخامسة، السادسة، السابعة، الثامنة، التاسعة، العاشرة، الحادية عشرة، الثانية عشرة، الثالثة عشرة، الرابعة عشرة، الخامسة عشرة، السادسة عشرة، السابعة عشرة، الثامنة عشرة، التاسعة عشرة، العاشر عشر» برای معدود مؤنث به کار می رود.

این اعداد معمولاً با «ال» و بر وزن «الفاعل» برای اسم مذکر و بر وزن «الفاعلة» برای اسم مؤنث به کار می روند (مگر «الأول» و «الأولى» که به عنوان صفت و بعد از معدود می آیند؛ مانند: الدرس الخامس (درس پنجم)، الغرفة العاشرة (اتاق دهم)، المدرسة السابعة عشرة (مدرسه هفدهم)

☆ (برای آشنایی بهتر با اعداد، به جدول هایی که در انتهای کتاب آمده است، توجه کنید.)

خلاصه

- اگر عدد ۱ و ۲ باشد، از نظر جنس با معدود موافق می آید.
- اگر عدد ۳ تا ۹ باشد، از نظر جنس با معدود مخالف می آید.
- اعداد عقود هم با مذکر و هم با مؤنث یکسان به کار می روند.
- معدود عدد ۳ تا ۱۰ مضاف‌الیه (و مجرور) و جمع به کار می رود.
- معدود عدد ۱۱ تا ۹۹ مفرد (و منصوب) به کار می رود.
- معدود عدد ۱۰۰ مفرد (و مجرور) به کار می رود.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (خودآزمایی): تَرَجِّمْ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ. (به فارسی ترجمه کن.)

- ۱- «ثلاثين ليلة»
- ۲- «سبعين رجلاً»
- ۳- «عليها تسعة عشر»
- ۴- خمسة عشر تمثالاً
- ۵- واحدة و عشرون جامعة
- ۶- ست عشرة مدينة

«الأعراف: ۱۴۲»

«الأعراف: ۱۵۵»

«المزّثر: ۳۰»





- ۷- تِسْعٌ وَ تِسْعُونَ بَقْرَةً.....
- ۸- سَبْعٌ وَ ثَلَاثُونَ حَدِيقَةً.....
- ۹- ثَلَاثَةٌ وَ سِتُونَ طَائِرًا.....
- ۱۰- وَاحِدَةٌ وَ سَبْعُونَ قَرِيَةً.....
- ۱۱- اِثْنَانِ وَ ثَمَانُونَ عَامًا.....
- ۱۲- تِسْعَةٌ وَ عِشْرُونَ كُرْسِيًا.....

پلسخ خودآموزی

- ۱- سی شب
- ۲- هفتاد مرد
- ۳- نوزده نفر (از فرشتگان عذاب) بر آن (جهنم) هستند.
- ۴- پانزده تندیس
- ۵- بیست و یک دانشگاه
- ۶- شانزده شهر
- ۷- نود و نه گاو
- ۸- سی و هفت باغ
- ۹- شصت و سه پرده
- ۱۰- هفتاد و یک ده
- ۱۱- هشتاد و دو سال
- ۱۲- بیست و نه صندلی

فن ترجمه

تصور نکنید که فقط در زبان انگلیسی «حرف اضافه» بسیار اهمیت دارد و معنای فعل را تغییر می‌دهد و کار یادگیری را دشوار می‌سازد! در زبان عربی نیز حرف اضافه سبب تغییر معنای فعل می‌شود. اکنون این فعل‌ها را با حرف اضافه‌ی آن به خاطر بسپارید:

- قَامَ (ایستاد) / قَامَ بِ (اقدام کرد، عمل کرد، پرداخت) / حرف اضافه فعل لازم را به متعدی تبدیل می‌کند.
- جَاءَ (آمد) / جَاءَ بِ (آورد) / فعل لازم به متعدی تبدیل شده است.
- أَتَى (آمد) / أَتَى بِ (آورد) / فعل لازم به متعدی تبدیل شده است.
- بَحَثَ (بحث کرد) / بَحَثَ عَنِ (جست‌وجو کرد)

به این جمله‌ها و تفاوت فعل‌ها و معنای آن‌ها دقت کنید:

- دَخَلَ الْأُسْتَاذُ فِي الْمَصَفِّ فَقَامَ الطُّلَابُ إِحْتِرَامًا لَهُ. (استاد وارد کلاس شد و دانشجویان به احترامش برخاستند.)
- قَامَ جَدِّي بِتَوْزِيعِ الْهَدَايَا عَلَى الْبَنِينَ وَ الْبَنَاتِ فِي الْحَفْلَةِ. (پدربزرگم در جشن، به پخش کردن هدیه‌ها میان پسران و دختران پرداخت.)
- جَاءَتْ أُمِّي مِنَ السَّفَرِ. (مادرم از مسافرت آمد.)
- جَاءَتْ أُمِّي الْمَضِيْفَةَ بِالطَّعَامِ لِضَيْوْفِنَا الْأَعْرَاءِ. (مادر مهمان‌نوازم برای میهمانان عزیزمان غذا آورد.)

اخْتَبَرَ نَفْسَكَ (خودآموزی): تَرْجِمَ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ: *نور السماء*

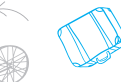
(به فارسی ترجمه کن.) *نور آسمان*

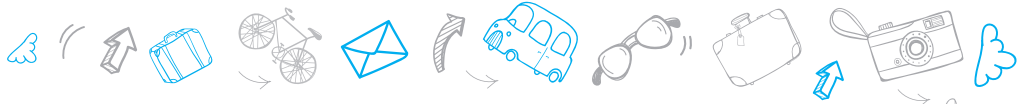
- ۱- ﴿فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ﴾.....
- ۲- ﴿وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ﴾.....
- ۳- ﴿مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ أَفَلَا تَسْمَعُونَ﴾.....
- ۴- ﴿وَ جَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ﴾.....
- ۵- ﴿قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى﴾.....

پلسخ خودآموزی

- ۱- پس زمانی که حق را از سوی ما بر ایشان آورد، گفتند: پسران کسانی را که با او (موسی) ایمان آورده‌اند، بکشید. (جاء... به آورد)
- ۲- قطعاً پیامبرانی را پیش از تو به سوی قومشان فرستاده‌ایم و آن‌ها دلایل روشن را برای آن‌ها آوردند. (جاءوهم به برای آن‌ها آوردند)
- ۳- چه کسی معبودی غیر خدا هست که (می‌تواند) روشنایی را برای شما می‌آورد، پس آیا نمی‌شنوید. (یأتیکم به برای شما می‌آورد)
- ۴- و برادران یوسف (به مصر) آمدند و به خدمت او رسیدند و او آن‌ها را شناخت. (دخلوا علی به بر ... وارد شدند)
- ۵- بگو چه کسی کتابی را که موسی (ع) آن را آورد، فرو فرستاد؟ (جاء به آورد)

یکی از موضوعات مهم در برگردان و ترجمه از زبان مبدأ به زبان مقصد این است که ساختار زبان مقصد رعایت شود، مثلاً اگر در زبان فارسی





اول نهاد می آید و بعد گزاره و یا اول فاعل، بعد مفعول و در آخر فعل، این ترتیب رعایت شود. بر این اساس در ترجمه به زبان فارسی شایسته است که فعل را در آخر جمله بیاورید.

متن درس و ترجمه‌ی واژه‌به‌واژه و ترجمه‌ی روان آن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنِّي مَسْئُولٌ وَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ.

پیامبر خدا ﷺ فرمود: قطعاً من مسئولم و شما (نیز) مسئول هستید.

«إِنَّكُمْ	مَسْئُولُونَ»	أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ ﷺ
قطعاً	شما مسئول هستید.	امیر مؤمنان علی ﷺ
«شما مسئولید»		

چون «سَمِيَّةٌ» مؤنث است، فعل نیز مؤنث می آید (کانت) و به همین دلیل ضمیر «ها» در «والدتها» نیز ضمیر مفرد مؤنث آمده است.

كَانَتْ	سَمِيَّةٌ	بِانتظارِ	والدتها	للرجوعِ	إِلَى	الْبَيْتِ	بَعْدَ	انْتِهَاءِ	الدَّوَامِ	الْمَدْرَسِيِّ،
بود	سمیه	به انتظار	مادرش	برای بازگشت	به	خانه	بعد از	پایان	ساعت کار	مدرسه،
بعد از پایان ساعت کار مدرسه، سمیه برای بازگشت به خانه منتظر مادرش بود،										

حُجْرَاتِ الْمَدْرَسَةِ: ترکیب اضافی

وَ	كَانَتْ	حُجْرَاتِ	الْمَدْرَسَةِ	مُغْلَقَةً،
و	بود	اتاق‌های	مدرسه	بسته،
و اتاق‌های مدرسه بسته (شده) بود،				

جَمْعٌ قَلِيلٌ: ترکیب وصفی

وَ	مَا بَقِيَ	فِي	الْمَدْرَسَةِ	إِلَّا	جَمْعٌ	قَلِيلٌ	مِنْ	زَمِيلَاتِهَا؛
و	نمانده	در	مدرسه	مگر	گروه	اندکی	از	هم‌کلاسی‌هایش؛
و در مدرسه جز گروه اندکی از هم‌کلاسی‌هایش کسی نماند؛								

مُدِيرَةُ الْمَدْرَسَةِ وَ بَعْضُ الْمُدْرَسَاتِ: ترکیب اضافی

وَ	كَانَتْ	مُدِيرَةً	الْمَدْرَسَةِ	وَ	بَعْضُ	الْمُدْرَسَاتِ	يَنْتَظِرْنَ	أَنْ
و	مدیر	مدرسه	و	برخی از	معلم‌ها	منتظر می‌مانند	که	
و مدیر مدرسه و بعضی از معلم‌ها منتظر بودند که								

مَكِيفُ الْهَوَاءِ: ترکیب اضافی

تَفَرَّغَ	الْمَدْرَسَةُ	مِنْ	الطَّالِبَاتِ.
خالی شود	مدرسه	از	دانش‌آموزان.
مدرسه از دانش‌آموزان خالی شود.			

عِنْدَيْهِ	سَمِعَتْ	سَمِيَّةٌ	صَوْتَ	مَكِيفِ الْهَوَاءِ	مِنْ	إِحْدَى	الْحُجْرَاتِ،
در آن هنگام	شنید	سمیه	صدای	کولر (را)	از	یکی از	اتاق‌ها،
در آن هنگام سمیه صدای کولر را از یکی از اتاق‌ها شنید،							

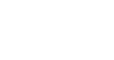
وَ	شَاهَدَتْ	الْمَصَابِيحَ	مِنْ	النُّوَاذِ،
و	دید	چراغ‌ها (را)	از	پنجره‌ها،
و چراغ‌ها را از پنجره‌ها دید،				

عربی (دهم) انسانی

خبرنگار

۳۲





صَفَّ آخَرَ: تركيب وصفی

فَطَّنَتْ	أَنَّ	طَالِبَاتٍ	صَفَّ	آخَرَ	فِي	حِصَّةٍ	تَقْوِيَةٍ،
پس گمان کرد	که	دانش آموزان	کلاسی	دیگر	در	زنگ	تقویتی (هستند)
و خیال کرد که دانش آموزان کلاسی دیگر در زنگ کلاس تقویتی هستند،							

نشاطاً حُرّاً: تركيب وصفی

أَوْ	يُمَارِسْنَ	نَشَاطاً	حُرّاً؛
یا	انجام می دهند	فعالیتی	آزاد؛
یا یک فعالیت آزاد انجام می دهند،			

وَ	عِنْدَمَا	نَظَرْتُ	بِدِقَّةٍ،	وَجَدْتُ	الْحُجْرَةَ	فَارِغَةً.
و	زمانی که	نگاه کرد	با دقت،	یافت	اتاق (را)	خالی.
و چون با دقت نگاه کرد، دید که اتاق خالی است.						

حَاوَلْتُ	فُتِّحَ	الْبَابِ،	فَوَجَدْتُهُ	مُغْلَقاً
تلاش کرد	گشودن	در (را)،	پس دید آن (را)	بسته
تلاش کرد که در (کلاس) را باز کند، پس دید که آن بسته است،				

فَدَهَبْتُ	إِلَى	مُدِيرَةِ	الْمَدْرَسَةِ،	وَ	أَخْبَرْتُهَا	بِمَا	شَاهَدْتُ،
پس رفت	به طرف	مدیر	مدرسه،	و	خبر داد به او	به آن چه (که)	دید،
آن گاه پیش مدیر مدرسه رفت و نسبت به آن چه که دیده به او خبر داد،							

فَشَكَرْتُهَا	الْمُدِيرَةَ،	وَ	طَلَبْتُ	مِنْ	سُمِّيَّةَ	إِطْفَاءَ	الْمَصَابِيحِ	وَ	الْمُكَيِّفِ.
پس سپاس گزاری کرد از او	مدیر،	و	خواست	از	سمیه	خاموش کردن	چراغها	و	کولر (را).
در نتیجه مدیر از او تشکر کرد و از سمیه خواست که چراغها و کولر را خاموش کند.									

عِنْدَيْهِ	شَاهَدَتِ	الْمُدِيرَةَ	طَالِبَةً	بِاسْمِ	فَاطِمَةَ
در آن هنگام	دید	مدیر	دانش آموزی	به نام	فاطمه (را)
در آن هنگام خانم مدیر دانش آموزی به نام فاطمه را دید؛					

حَنْفِيَّةُ الْمَاءِ: تركيب اضافی

كَانَتْ فَاطِمَةُ	تَذْهَبُ	لِإِغْلَاقِ	حَنْفِيَّةِ الْمَاءِ	الَّتِي	كَانَتْ	مَفْتُوحَةً	قَلِيلًا.
فاطمه	(می رفت)	برای بستن	شیر آب	که	بود	باز	کمی.
فاطمه برای بستن شیر آبی که کمی باز بود، می رفت.							

اليوم التالي و الاصطفاف الصباحي: تركيب وصفی

وَ فِي صَبَاحِ الْيَوْمِ التَّالِيِ،	شَكَرْتُ	مُدِيرَةَ	الْمَدْرَسَةِ	فِي	الِاصْطِفَافِ	الصَّبَاحِيِّ
و در صبح روز بعد،	سپاس گزاری کرد	مدیر	مدرسه	در	صف	صبحگاه (از)
و در صبح روز بعد، مدیر مدرسه در صف صبحگاه قدردانی کرد						

المرافق العامة: تركيب وصفی

سُمِّيَّةَ	وَ	فَاطِمَةَ	لِاهْتِمَامِهِمَا	بِالْمُرَافِقِ	الْعَامَّةِ.
سمیه	و	فاطمه	به خاطر توجهشان	به تأسیسات	عمومی.
از سمیه و فاطمه به خاطر توجهشان به تأسیسات (اموال) عمومی.					





و	فِي	حِصَّةِ	الْعُلُومِ	الْإِجْتِمَاعِيَّةِ،	قَامَتْ	رُقِيَّةُ	وَ	سَأَلَتْ	الْمُدْرَسَةَ:
و	در	زنگ	علوم	اجتماعی،	ایستاد	رقیه	و	پرسید (از)	خانم معلم:

و در زنگ علوم اجتماعی، رقیه ایستاد و از خانم معلم پرسید:

«	مَا	الْمَقْصُودُ	بِالْمَرَاقِي	الْعَامَّةِ	الَّتِي	تَكَلَّمْتَ	الْمُدِيرَةَ	عَنْهَا	هَذَا الصَّبَاحِ؟
»	چیست	مقصود	از تأسیسات	عمومی	که	سخن	گفت	مدیر	درباره‌ی آن‌ها

«مقصود از تأسیسات عمومی که خانم مدیر امروز صبح در مورد آن سخن گفت، چیست؟»

فَأَجَابَتْ:	«الْمَرَاقِي	الْعَامَّةُ	هِيَ	الْأَمَاكُنُ	الَّتِي
پس پاسخ داد:	«تأسیسات	عمومی	همان	مکان‌هایی (است)	که

پس پاسخ داد: «تأسیسات (اموال) عمومی همان مکان‌هایی است که

تَمْتَلِكُهَا	الدَّوْلَةُ،	وَ	يَنْتَفِعُ	بِهَا	النَّاسُ	جَمِيعًا.
مالک می‌شود آن را	دولت،	و	سود می‌برند	از آن	مردم	همگی.

دولت مالک آن است و مردم همه از آن سود می‌برند.

إِذَا	فَهِمَّتْ	مَعْنَاهَا،	فَأَذْكُرِي	لَنَا	أَمثلةً	لِلْمَرَاقِي	الْعَامَّةِ.»
اگر	دانستی	معنای آن (را)،	پس ذکر کن	برایمان	مثال‌هایی	در مورد تأسیسات	عمومی.»

اگر (اکنون) معنای آن را فهمیدی، درباره‌ی تأسیسات عمومی نمونه‌هایی را برایمان ذکر کن.»

أَجَابَتْ	رُقِيَّةُ:	«الْمَدَارِسُ	وَ الْهَوَاتِفُ	الْعَامَّةُ	وَ الْمُسْتَشْفَيَاتُ	وَ الْمُسْتَوْصَفَاتُ	وَ الْمَتَاحِفُ
پاسخ داد	رقیه:	«مدرسه‌ها	و تلفن‌های	عمومی	و بیمارستان‌ها	و درمانگاه‌ها	و موزه‌ها

رقیه جواب داد: «مدرسه‌ها، تلفن‌های همگانی، بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها، موزه‌ها،

وَ	الْمَكْتَبَاتُ	وَ	دورات المياه	وَ	الْحَدَائِقُ	الْعَامَّةُ
و	کتابخانه‌ها	و	سرویس‌های بهداشتی	و	پارک‌ها	

کتابخانه‌ها، سرویس‌های بهداشتی، پارک‌ها،

وَ	الأشجارُ	على	الرَّصيفِ	وَ	أعمدةً	الكهرباءِ...»
و	درختان	کنار	پیادهرو	و	تیرهای	(چراغ) برق ...»

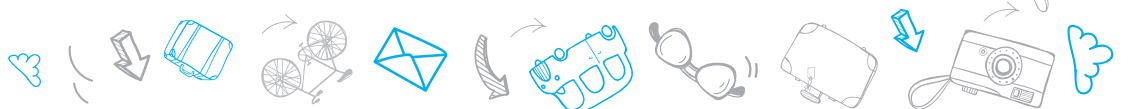
درختانی که کنار پیادهرو است، تیرهای (چراغ) برق و ...»

أَجَابَتْ	الْمُدْرَسَةُ:	«أَحْسَنْتِ،	وَ الْحِفَاظُ	عَلَى هَذِهِ	الْمَرَاقِي	وَاجِبٌ	عَلَى كُلِّ	مُوَاطِنٍ.»
پاسخ داد	خانم معلم:	«درود بر تو،	و نگهداری	از این	تأسیسات	وظیفه (است)	بر هر	شهروندی.»

خانم معلم پاسخ داد: «آفرین بر تو، و نگهداری از این تأسیسات وظیفه‌ی هر شهروندی است.»

سَأَلَتْ	الطَّالِبَاتُ	بِتَعْجَبٍ:	«لِمَ	وَ	كَيْفَ؟! ذَلِكْ	وَاجِبٌ	الدَّوْلَةَ.»
پرسیدند	دانش‌آموزان	با تعجب:	«چرا	و	چگونه؟! آن	وظیفه‌ی	دولت (است).»

دانش‌آموزان با تعجب پرسیدند: «چرا و چگونه؟ آن وظیفه‌ی دولت است.»





قَالَتْ	الْمُدْرَسَةُ:	«بَلْ	هِيَ	مَسْؤُولِيَّةٌ	مُشْتَرَكَةٌ،
گفت	معلم:	«بلکه	آن	مسئولیتی	مشترک (است)،
خانم معلم گفت: «بلکه آن مسئولیتی مشترک است،»					

قَامَتْ بِإِطْفَاءِ الْمَكِيلِيفِ: (ایستاد به خاموش کردن کولر = نادرست / به خاموش کردن کولر اقدام کرد = درست)

فُسْمِيَّةٌ	الَّتِي	قَامَتْ	بِإِطْفَاءِ	الْمَكِيلِيفِ	وَالْمَصَابِيحِ	فِي	حُجْرَةِ	الْمُدْرَسَةِ
پس سمیه	که	اقدام کرد	به خاموش کردن	کولر	و چراغ‌ها (را)	در	اتاق	مدرسه
پس سمیه که به خاموش کردن کولر و چراغ‌ها در اتاق مدرسه پرداخته								

وَ	فَاطِمَةُ	الَّتِي	أَغْلَقَتْ	حَنْفِيَّةَ	الْمَاءِ	وَ	الطَّالِبَةُ	الَّتِي	تَدَخَّلَ	مَكْتَبَةَ	الْمُدْرَسَةِ،
و	فاطمه	که	بست	شیر	آب (را)	و	دانش‌آموزی	که	وارد می‌شود	کتابخانه‌ی	مدرسه،
و فاطمه که شیر آب را بسته و دانش‌آموزی که وارد کتابخانه‌ی مدرسه می‌شود،											

فَتْحَافِظُ	عَلَى	الْهُدُوءِ	فِيهَا	وَ	عَلَى	نِظَافَةِ	الْكِتَابِ	وَ	تَرْتِيبِهَا،
پس مراقبت می‌کند	بر	آرامش	در آن	و	نسبت به	تمیزی	کتاب‌ها	و	ترتیب آن‌ها،
و نسبت به آرامش (و سکوت) در آن و تمیزی کتاب‌ها و مرتب بودن آن‌ها مواظبت می‌کند،									

وَ	تِلْكَ	الَّتِي	تَنْصَحُ	مَنْ	يُرْمِي	النَّفَايَاتِ
و آن	آن	که	نصیحت می‌کند	کسی (را)	که	زباله‌ها (را)
و آن کسی که نصیحت می‌کند (تذکر می‌دهد) به کسی که زباله‌ها را پرت می‌کند،						

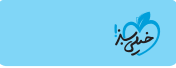
فِي	غَيْرِ	مَكَانِهَا	بِكَلَامِ	طَيِّبٍ؛
در	غیر	مکانش	با سخنی	نرم؛
در جایی غیر از جایش با سخنی دلنشین؛				

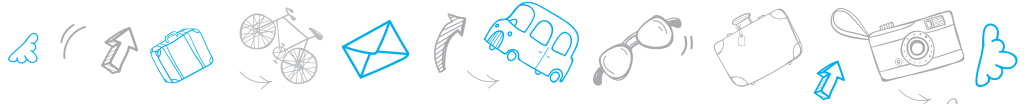
هُؤُلَاءِ	يَعْمَلُونَ	بِوَجَابَتِهِنَّ	كَمُواطِنَاتٍ	يَشْعُرْنَ	بِالْمَسْؤُولِيَّةِ.
این‌ها	عمل می‌کنند	به وظایفشان	مانند شهروندانی (که)	احساس	مسئولیت می‌کنند.
این‌ها به وظایفشان عمل می‌کنند، به عنوان شهروندانی که احساس مسئولیت می‌کنند.					

قَامَتْ	سُمِيَّةٌ	وَ	قَالَتْ:	«أَلَيْسَ	مِنْ	الْمُنَاسِبِ
ایستاد	سمیه	و	گفت:	«آیا نیست	از	شایسته
سمیه ایستاد و گفت: «(حال که این‌گونه است) آیا مناسب نیست؟!»						

كِتَابَةٌ	لَوْحَةٍ	جِدَارِيَّةٍ	مَكْتُوبٍ	عَلَيْهَا	هَذَا	الْحَدِيثُ	الشَّرِيفُ	عَنْ	أَمِيرِ	الْمُؤْمِنِينَ	عَلِيِّ
نوشتن	یک تابلوی دیواری	(که)	نوشته‌شده	بر آن	این حدیث	شریف	از	امیر مؤمنان	علی	علیه السلام:	
نوشتن یک تابلوی دیواری که بر آن این حدیث شریف از امیر مؤمنان علی علیه السلام نوشته شده باشد:											

إِنَّكُمْ	مَسْؤُولُونَ	حَتَّى	عَنِ	الْبِقَاعِ	وَ	الْبَهَائِمِ.
قطعاً	شما مسئولید	حتی	در مورد	مکان‌ها	و	چهارپایان.
«قطعاً شما مسئولید حتی در مورد مکان‌ها و چهارپایان.»						





قِيلَتْ	المُديرةُ	وَ	قالتُ:	«هَذَا	الإفْتِراحُ	حَسَنٌ،
پذیرفت	مدیر	و	گفت:	«این	پیشنهاد	خوب (است)،

خانم مدیر پذیرفت و گفت: «این پیشنهاد خوب است.»

وَ	سَنْتَعَاوُنُ	جَمِيعاً	عَلَى	الْعَمَلِ	بِهَذَا	الْحَدِيثِ.
و	همیاری خواهیم کرد	همگی	نسبت به	عمل	به این	حدیث.

و همگی در عمل به این حدیث شریف (یکدیگر را) یاری خواهیم کرد.»

★ ترکیباتی، مانند: «دورة المیاه (سرویس بهداشتی)، مَكَيِّفُ الهِواءِ (کولر)، حنْفِيَّةُ المِاءِ (شیر آب)، دوام مدرسي (ساعت کار مدرسه)،

مرافق عامة (تأسیسات عمومی) اصطلاح هستند.

● عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الخَطَأُ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- كَانَتْ سُمِيَّةٌ بِانتِظَارِ والدَتِهَا لِلدَّهَابِ إِلَى المَنْزِلِ.
- ۲- ذَهَبَتِ المُدِيرَةُ نَفْسُهَا لِإِطْفَاءِ المَصَابِيحِ وَ المَكَيِّفِ.
- ۳- أَخْبَرَتْ سُمِيَّةٌ مُدِيرَةَ المَدْرَسَةِ بِمَا شَاهَدَتْ فِي الحُجْرَةِ.
- ۴- المَرافِقُ العَامَّةُ هِيَ الأَمَاكُنُ الَّتِي يَمْتَلِكُهَا بَعْضُ النَّاسِ.
- ۵- شَكَرَتْ المُدِيرَةُ فِي الإِصْطِفافِ الصَّبَاحِيِّ جَمِيعَ الطَّالِبَاتِ.

(براساس متن درس، درست و نادرست را مشخص کن.)

۱- این عبارت درست است، چرا که در متن آمده است: «كَانَتْ سُمِيَّةٌ بِانتِظَارِ والدَتِهَا لِلزُّجُوعِ إِلَى البَيْتِ.»

۲- این عبارت نادرست است، چرا که در متن آمده است: «طَلَبَتْ مِنْ سُمِيَّةَ إِطْفَاءَ المَصَابِيحِ وَ المَكَيِّفِ.»

۳- این عبارت درست است، چرا که در متن آمده است: «وَ أَخْبَرَتْهَا بِمَا شَاهَدَتْ.»

۴- این عبارت نادرست است، چرا که در متن آمده است: «المَرافِقُ العَامَّةُ هِيَ الأَمَاكُنُ الَّتِي تَمْتَلِكُهَا الدَّوْلَةُ.»

۵- این عبارت نادرست است، چرا که در متن آمده است: «شَكَرَتْ مُدِيرَةَ المَدْرَسَةِ فِي الإِصْطِفافِ الصَّبَاحِيِّ سُمِيَّةً وَ فاطمة...»

عربی (دهم) انسانی



جوارات (في مطارِ النَّجَفِ الأشرفِ)

سائِحٌ مِنَ الكُوَيْتِ	سائِحٌ مِنَ إيرانِ
وَ عَلَیْكُمْ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ.	السَّلَامُ عَلَیْكُمْ.
مَسَاءَ النُّورِ یا عزیزِ.	مَسَاءَ الخَیْرِ یا حَبِیبِ.
لا؛ أَنَا مِنَ الكُوَيْتِ. أَنَأَنْتِ مِنَ باكِستانِ؟	هَلْ حَضَرْتِكَ مِنَ العِراقِ؟
جِئْتُ لِلْمَرَّةِ الأُولَى؛ وَ كَمْ مَرَّةً جِئْتِ أَنْتِ؟	لا؛ أَنَا إیرانِی. كَمْ مَرَّةً جِئْتِ لِلزُّیارةِ؟
كَمْ عَمْرُكَ؟	أَنَا جِئْتُ لِلْمَرَّةِ الثَّانِیَةِ.
مِنْ أیِّ مَدینَةِ أَنْتِ؟	عُمري سِتُّةَ عَشَرَ عَاماً.
ما أَجْمَلُ غاباتِ مازندرانِ وَ طَبِیعَتِها!	أَنَا مِنْ مَدینَةِ جویبارِ فِي مُحافِظَةِ مازندرانِ.
نَعَمْ؛ ذَهَبْتُ لِزِیارةِ الإمامِ الرُّضا، ثامِنِ أئمَّتنا العَظِماءِ.	هَلْ ذَهَبْتَ إِلَى إیرانِ مِنْ قَبْلِ؟
إِنَّ إیرانَ بِلادٌ جَمیلَةٌ جِداً، وَ الشَّعْبُ الإیرانِیُّ	كَيْفَ وَجَدْتِ إیرانَ؟
شَعَبٌ مِضِیافٌ.	





گفت‌وگوها (در فرودگاه نجف اشرف)

گردشگری (زائری) از کویت

و سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو.
 شب به خیر عزیز من.
 نه، من کویتی هستم. آیا تو پاکستانی هستی؟
 من برای بار اوله اومدم؛ و تو چند بار آمدی؟
 چند سال داری؟
 اهل کدوم شهر (ایران) هستی؟
 چه قدر جنگل‌های مازندران و طبیعتش قشنگن!
 بله؛ برای زیارت امام رضا علیه السلام هشتمین اماممان رفتیم.
 ایران کشور بسیار زیباییه، و ملت ایران مردمی مهمان‌دوست هستند.

گردشگری (زائری) از ایران

سلام بر شما.
 شب به خیر ای دوست من.
 آیا جنابعالی عراقی هستی؟
 نه، من ایرانی هستم. چند بار به زیارت اومدی؟
 من بار دومه که اومدم.
 من شانزده سال دارم.
 من از شهر جویبار در استان مازندران هستم.
 آیا قبلاً به ایران رفتی؟
 ایران رو چه‌طور دیدی؟

تمرین

التَّمْرينُ الأوَّلُ : اِقْرَأِ الآيَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ تَرَجِّمْهَا. (آیات زیر را بخوان، سپس آن‌ها را ترجمه کن.)

۱- ﴿... سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةً رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةً سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ... وَيَقُولُونَ سَبْعَةً وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ...﴾

«الکوف: ۲۲»

۲- ﴿إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ...﴾

«یوسف: ۴»

۳- ﴿إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَ لِي نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ...﴾

«ص: ۲۳»

۴- ﴿قَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا الْهَيْبِينَ اثْنَيْنِ إِذْ مَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ﴾

«الزمل: ۵۱»

۵- ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرٌ أَمْثَالِهَا...﴾

«الأنعام: ۱۶۰»

التَّمْرينُ الثَّانِي : أَجِبْ عَنِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةِ التَّالِيَةِ كَالْمَثَالِ. (به عملیات حسابی زیر، مانند مثال پاسخ بده.)

(+ زائد) (- ناقص) (÷ تقسیم علی) (× ضرب فی)

۱- عَشْرَةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي ثَلَاثِينَ. $10 \times 3 = 30$

۲- تِسْعُونَ نَاقِصٌ عَشْرَةٌ يُسَاوِي ثَمَانِينَ.

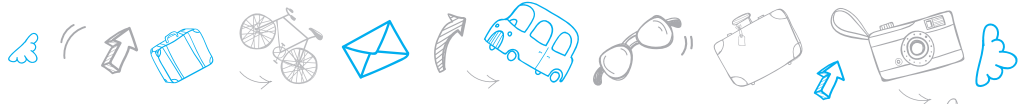
۳- مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى خَمْسَةٍ يُسَاوِي عِشْرِينَ.

۴- سِتَّةٌ فِي أَحَدٍ عَشَرَ يُسَاوِي سِتَّةً وَ سِتِّينَ.

۵- خَمْسَةٌ وَ سَبْعُونَ زَائِدٌ خَمْسَةٍ وَ عِشْرِينَ يُسَاوِي مِئَةً.

۶- اِثْنَانِ وَ ثَمَانُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى اِثْنَيْنِ يُسَاوِي وَاحِدًا وَ أَرْبَعِينَ.





التَّمرين الثالث: اكتب في الفراغ عدداً ترتيبياً مناسباً. (عددهای ترتیبی مناسب را در جای خالی بنویس.)

- ١- أليوم ال..... من أيام الأسبوع يوم الأحد.
 - ٢- أليوم ال..... من أيام الأسبوع يوم الخميس.
 - ٣- ألفصل الرابع في السنة الإيرانية فصل ال.....
 - ٤- ألفصل ال..... في السنة الإيرانية فصل الحريف.
 - ٥- يأخذ الفائز الأول جائزة ذهبية و الفائز ال..... جائزة فضية.
- التَّمرين الرابع:** ضع في الدائرة العدد المناسب. «كلمة واحدة زائدة.» (عدد مناسب را در دایره قرار بده. یک کلمه اضافی است.)

- ١- الأناشط إعطاء حل و بيان طريقة للقيام بعمل.
- ٢- الأذواء آلة لنقل الأصوات من مكان إلى آخر.
- ٣- الأحصنة ساعات العمل للموظفين و العمال.
- ٤- ألهاتف أنبوب لفتح تيار الماء و إغلاقه.
- ٥- الإقتران القيام بعمل يتحرك و سرعة.
- ٦- الأحنفية

التَّمرين الخامس: ضع في الفراغ كلمة مناسبة من الكلمات التالية. «كلمتان زائدتان.» (از کلمه‌های زیر، کلمه‌ی مناسب را در جای خالی قرار بده. دو کلمه اضافی است.)

رصيف / الهدوء / خمسين / أعمدة / أخبرونا / مضياف / حجرة / يمتلك / فرغت

«الغالبوت: ١٣»

- ١- ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا ... عاماً﴾
- ٢- علينا بالعبور من إلى رصيف آخر من ممر المشاة.
- ٣- سافرنا إلى قرية، لأننا بحاجة إلى
- ٤- الجيران بما حدث في الشارع.
- ٥- أنزل العامل البضائع ف..... السيارة.
- ٦- هل أبوك أرضاً في القرية؟
- ٧- ليست في الفندق فارغة.

التَّمرين السادس: ضع في الفراغ الضمير المناسب، ثم ترجم الجمل. (ضمير مناسب را در جای خالی قرار بده، سپس جمله‌ها را ترجمه کن.)

أنا / أنت، أنتِ / هو، هي / نحن / أنتم، أنتن، أنتم / هم، هن، هما

١- ما وضعوا	٢- لا يصرون	٣- كانتا تنصحن
٤- اكشفوا	٥- ما علمنا	٦- تطبعين
٧- لا أنسى	٨- ستزولون	٩- وصلتن
١٠- لا تكتم	١١- عطرت	١٢- لا تمدمن
١٣- سيمضي	١٤- سوف يقوم	١٥- ما وقعت
١٦- كانوا يقذفون	١٧- طلبت	١٨- لا تطردوا



التَّمرين السابع: ترجم العبارات التالية. هل تعلم أن ... (عبارت‌های زیر را ترجمه کن.) آیا می‌دانی که ...

- ١- ... أكبر عنكبوت تعيش في البرازيل و وزنها مئة و سبعون غراماً؟ (غرام: گرم)
- ٢- ... الكلب يقدر على سماع صوت الساعة على بعد أربعين قدماً؟
- ٣- ... النملة تقدر على حمل شيء يفوق وزنها خمسين مرة؟
- ٤- ... الغراب يعيش عشرين سنة إلى ثلاثين أو أكثر؟
- ٥- ... ثمانين في المئة من موجودات العالم حشرات؟
- ٦- ... طول قامة الزرافة بيته أمتار؟ (أمتار: جمع متر)





التمرین الثامن: أي كلمة من كلمات المعجم، تناسب التوضيحات التالية؟ (كدام کلمه از کلمات واژه‌نامه با توضیحات زیر مناسب است؟)

- ۱- من المرافق العامة في الحدائق لغسل الأيدي.
- ۲- نقولُه عند تشجيع الذي أحسن عملاً.
- ۳- أقيام في صفوف المدرسة في الصباح.
- ۴- صار الشيء ملكه يفعل به ما يشاء.
- ۵- الذي يعيش معنا في وطن واحد.
- ۶- أقيام بالتمرين و النشاط.

التمرین التاسع: عین العَدَد الصَّحِيح للْفَرَاغِ. (عدد درست را برای جای خالی مشخص کن.)

- | | | |
|---------------------------------|---------------------------------|--|
| <input type="checkbox"/> الأول | <input type="checkbox"/> واحدة | ۱- لِلْفَائِزِ جَائِزَةٌ ذَهَبِيَّةٌ وَ لِلْفَائِزِ الثَّانِي جَائِزَةٌ فَضِيَّةٌ. |
| <input type="checkbox"/> العاشر | <input type="checkbox"/> عشرة | ۲- في الإصطاف الصَّبَاحِي وَقَفْنَا فِي صُفُوفٍ. |
| <input type="checkbox"/> الأولى | <input type="checkbox"/> واحداً | ۳- النَّافِذَةُ مِنْ نَوَافِذِ الْمَدْرَسَةِ مَفْتُوحَةٌ. |
| <input type="checkbox"/> أربع | <input type="checkbox"/> الزابغ | ۴- تَبَاوَزَ الْكَهْرِبَاءُ فِي حُجَرَاتٍ مَقْطُوعٍ. |
| <input type="checkbox"/> واحد | <input type="checkbox"/> اثنتان | ۵- لِي أَخَوَانِ اثْنَانِ وَ أُخْتَانِ |

التمرین العاشر: عین المَعْدُودِ الصَّحِيحِ للْفَرَاغِ. (معدود درست را برای جای خالی مشخص کن.)

- | | | |
|---------------------------------|---------------------------------|---|
| <input type="checkbox"/> لاعباً | <input type="checkbox"/> لاعبين | ۱- يَلْعَبُ أَحَدٌ عَشَرَ فِي فَرِيقِ كُرَةِ الْقَدَمِ. |
| <input type="checkbox"/> جندي | <input type="checkbox"/> جنود | ۲- أَرْبَعَةٌ وَاقِفُونَ أَمَامَ بَابِ الْمُنْتَظَمَةِ. |
| <input type="checkbox"/> أقمار | <input type="checkbox"/> قمران | ۳- اثْنَانِ حَوْلَ كَوْكَبِ الْمَرِيخِ. |
| <input type="checkbox"/> أنابيب | <input type="checkbox"/> أنبوبة | ۴- وَاحِدَةٌ فِي الْحَدِيقَةِ مُعَلَّقَةٌ. |
| <input type="checkbox"/> مكيفات | <input type="checkbox"/> مكيفاً | ۵- فِي مَدْرَسَتِنَا عَشْرَةٌ |

پاسخ تمرین اول

۱- ... خواهند گفت: آن‌ها سه نفر بودند که چهارمین‌شان سگشان بود و (گروهی) می‌گویند: پنج نفر بودند که ششمین آن‌ها سگشان بود. و (گروهی) می‌گویند: آن‌ها هفت نفر بودند و هشتمین آن‌ها سگشان بود. (ای رسول ما به آن‌ها) بگو: پروردگار من از تعداد آن‌ها آگاه‌تر است، تنها افراد کمی تعداد آن‌ها را می‌دانند ...

☆ اگر عدد بر وزن «فاعل» بیاید، عدد ترتیبی است؛ مانند «رابعهم» یعنی چهارمین‌شان و سادسهم، ثامنهم (ششمین آن‌ها، هشتمین آن‌ها)

۲- همانا من در خواب یازده ستاره و خورشید و ماه را دیدم که در برابر من سجده می‌کنند.

☆ «أحد عشر» یعنی «یازده» بعد از آن معدود مفرد آمده است «کوکبا».

۳- بی‌شک این برادر من است که نود و نه می‌شمارد و من یک می‌شمارم.

☆ «تسع و تسعون» یعنی «نود و نه» بعد از آن معدود مفرد آمده است «نعجة».

۴- خداوند فرمود: دو معبود (برای خود) نگیرید، او تنها معبود یگانه است.

۵- هر کس (کار) نیکی را بیاورد، ده برابر آن (پاداش) دارد.

☆ ① در این آیه‌ی شریفه فعل «جاء» با حرف اضافه‌ی «ب» ترجمه می‌شود. «جاء ب: آورد، بیاورد» ② معدود عدد «عشْر: ده» جمع و مضاف‌الیه می‌آید: «أمثال»

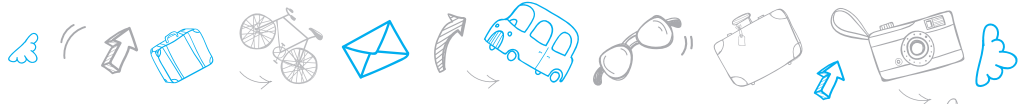
پاسخ تمرین دوم

- | | | |
|----------------|------------------|-----------------|
| ۱- ۳۰ = ۳ × ۱۰ | ۲- ۸۰ = ۱۰ - ۹۰ | ۳- ۲۰ = ۵ ÷ ۱۰۰ |
| ۴- ۶۶ = ۱۱ × ۶ | ۵- ۱۰۰ = ۲۵ + ۷۵ | ۶- ۴۱ = ۲ ÷ ۸۲ |

پاسخ تمرین سوم

- ۱- اليوم الثاني من أيام الأسبوع يوم الأحد. (روز دوم از روزهای هفته یکشنبه است.)
- ۲- اليوم السادس من أيام الأسبوع يوم الخميس. (روز ششم از روزهای هفته پنجشنبه است.)
- ۳- الفصل الرابع في السنة الإيرانية فصل الشتاء. (فصل چهارم در سال ایرانی فصل زمستان است.)





۴- الفصل الثالث في السنة الإيرانية فصل الخريف. (فصل سوم در سال ایرانی فصل پاییز است.)

۵- يأخذ الفائز الأول جائزة ذهبية و الفائز الثاني جائزة فضية. (برنده‌ی اول جایزه‌ی طلایی و برنده‌ی دوم جایزه‌ی نقره‌ای می‌گیرد.)

پاسخ تمرین چهارم

۱- اَلنَّشَاطُ / اَلْقِيَامُ بِعَمَلٍ بِتَحْرُكٍ وَ سُرْعَةٍ. (فعالیت، پرداختن به کاری با تحرک و سرعت است.)

★ «القیام ب» انجام دادن، پرداختن واژه‌ی «القیام» با حرف اضافه‌ی «ب» آمده است.

۲- اَلدَّوَامُ / سَاعَاتُ الْعَمَلِ لِلْمُوظَّفِينَ وَ الْعَمَالِ. ساعت کار، ساعت‌های کار کارمندان و کارگران است.

۳- اَلْحَصَّةُ: زنگ درس (کلمه‌ی اضافه)

۴- اَلْهَاتِفُ / اَللَّهِ لِنَقْلِ الْأَصْوَاتِ مِنْ مَكَانٍ إِلَى آخَرَ. (تلفن / ابزاری است برای انتقال صداها از مکانی به مکانی دیگر.)

۵- اَلْإِقْتِرَاحُ / إِعْطَاءُ حَلٍّ وَ بَيَانُ طَرِيقَةٍ لِلْقِيَامِ بِعَمَلٍ. (پیشنهاد / دادن راه حل و روشن کردن راهی است برای انجام عمل.)

۶- اَلْحَنْفِيَّةُ / أَنْبُوبٌ لِفَتْحِ تَيَّارِ الْمَاءِ وَ إِغْلَاقِهِ. (شیر / لوله‌ای است برای باز کردن جریان آب و بستن آن.)

پاسخ تمرین پنجم

۱- ﴿ وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا ﴾ (و ما نوح را به سوی قومش فرستاده‌ایم، پس او در میان آن‌ها هزار سال

به جز پنجاه سال (۹۵۰ سال) درنگ کرد.)

۲- عَلَيْنَا بِالْعُبُورِ مِنْ رَصِيفٍ إِلَى رَصِيفٍ آخَرَ مِنْ مَمَرِ الْمَشَاةِ. (ما باید از طریق گذرگاه عابر پیاده از پیاده‌رویی به پیاده‌رو دیگر عبور کنیم.)

۳- سَافَرْنَا إِلَى قَرْيَةٍ، لِأَنَّنا بِحَاجَةٍ إِلَى اَلْهُدُوءِ. (ما به روستایی مسافرت کردیم، زیرا ما به آرامش نیازمندیم.)

۴- اَلْجَبْرَانُ أَخْبَرُونَا بِمَا حَدَثَ فِي الشَّارِعِ. (همسایه‌ها به ما خبر دادند در مورد آن چه که در خیابان اتفاق افتاد.)

۵- أَنْزَلَ الْعَامِلُ الْبَضَائِعَ فَفَرَعَتِ السَّيَّارَةُ. (کارگر کالاها را پیاده کرد و ماشین خالی شد.)

۶- هَلْ يَمْتَلِكُ أَبُوكَ أَرْضًا فِي الْقَرْيَةِ؟ (آیا پدرت مالک زمینی در روستا است؟)

۷- لَيْسَتْ فِي الْفُنْدُقِ حُجْرَةٌ فَارِعَةٌ. (در هتل اتاقی خالی نیست.)

واژه‌های اضافی: اَعْمِدَةٌ (جمع مکسر «عمود»): ستون‌ها / مَضِيْفٌ: مهمان‌نواز

پاسخ تمرین ششم

۱- هُمْ مَا وَضَعُوا: آن‌ها نگذاشتند (قرار ندادند) / فعل ماضی منفی

۳- هُمَا كَانَتَا تَتَصَحَّحَانِ: آن‌ها پند می‌دادند / فعل ماضی استمراری

۵- نَحْنُ مَا عَلِمْنَا: ما ندانستیم / فعل ماضی منفی

۷- أَنَا لَا أُنْسِي: من فراموش نمی‌کنم / فعل مضارع منفی

۹- أَتَيْتُ وَصَلْتُنَّ: شما رسیدید / فعل ماضی

۲- هُمْ لَا يَبْصُرُونَ: آن‌ها فریاد نمی‌زنند / فعل مضارع منفی

۴- إِكْشِفُوا أَنْتُمْ: شما آشکار کنید / فعل امر

۶- أَنْتَ تَطْبَعِينَ: تو چاپ می‌کنی / فعل مضارع

۸- أَنْتُمْ سَتَنْزِلُونَ: شما پایین خواهید آمد / فعل مستقبل (آینده)

۱۰- لَا تَكْتُمُنَّ أَنْتَ: تو پنهان نکن / فعل نهی

★ «تُم» در آخر این فعل ضمیر نیست، بلکه جزء حروف اصلی فعل است: (ک ت م) ← كَتَمَ (ماضی)، يَكْتُمُ (مضارع)، لَا تَكْتُمُنَّ (نهی)

۱۲- أَتَيْتُنَّ لَا تَنْدَمْنَ: شما پشیمان نمی‌شوید / فعل مضارع منفی

۱۴- هُوَ سَوْفَ يَقُومُ: او خواهد ایستاد / فعل مستقبل (آینده)

۱۶- هُمْ كَانُوا يَقْذِفُونَ: آن‌ها می‌انداختند / فعل ماضی استمراری

۱۸- لَا تَنْظُرُوا أَنْتُمْ: شما (با تندگی) نرانید / فعل نهی



۱ اگر حرف «ما» بر سر فعل ماضی بیاید، فعل ماضی، منفی می‌شود؛ مانند فعل در شماره‌های ۱، ۵ و ۱۵

۲ اگر حرف «لا» بر سر فعل مضارع بیاید، فعل یا نهی است یا مضارع منفی.

الف اگر حرکت آخر مضارع ساکن باشد یا نون آخر آن حذف شده باشد، نهی است؛ مانند فعل در شماره‌های ۱۰ و ۱۸

ب اگر حرکت آخر مضارع ُ باشد یا نون در آخر آن باشد، فعل مضارع منفی است؛ مانند فعل در شماره‌های ۲ و ۷



پاسخ تمرین هفتم

۱- ... بزرگ‌ترین عنکبوت در (کشور) برزیل زندگی می‌کند و وزنش صد و هفتاد گرم است؟

★ **gram = غرام = گرم**

۲- ... سگ می‌تواند صدای ساعت را از فاصله‌ی چهل قدم بشنود؟

۳- ... مورچه می‌تواند چیزی را حمل کند که وزنش پنجاه برابر (از خودش) سنگین‌تر باشد؟

۴- ... کلاغ بیست تا سی سال یا بیشتر زندگی می‌کند؟

۵- ... هشتاد درصد از موجودات جهان حشرات هستند؟

۶- ... طول قد زرافه شش متر است؟



① فعل «قَدَر» با حرف اضافه‌ی «عَلَى» به کار می‌رود (قَدَرُ عَلَيَّ ... / يَقْدِرُ عَلَيَّ ...) مانند آن‌چه که در جمله‌های شماره‌ی ۲ و ۳ آمده است.

(الْكَلْبُ يَقْدِرُ عَلَى سَمَاعِ ... / النَّمْلَةُ تَقْدِرُ عَلَى حَمْلِ ... می‌تواند ...)

② یک بار دیگر به ترجمه‌ی اعداد در جمله‌ها دقت نمایید:

مِئَةٌ وَسَبْعُونَ غَرَامًا: صد و هفتاد گرم

أَرْبَعِينَ قَدَمًا: چهل قدم

خَمْسِينَ مَرَّةً: پنجاه برابر

ثَلَاثِينَ سَنَةً: سی سال

ثَمَانِينَ فِي الْمِئَةِ: هشتاد درصد (۸۰٪)

سِتَّةَ أمتار: شش متر

③ اگر بخواهیم در زبان عربی عدد را به صورت درصد بگوییم، از این فرمول استفاده می‌کنیم:

عدد + في المِئَةِ

عشرون في المِئَةِ ← ۲۰٪

أحد و خمسون في المِئَةِ ← ۵۱٪

سبع في المِئَةِ ← ۷٪

پاسخ تمرین هشتم

۱- از تأسیسات عمومی در باغ‌ها (پارک‌ها) برای شستن دست‌ها ← حَنْفِيَّةُ الْمَاءِ (شیر آب)

۲- به هنگام تشویق کسی که کاری را نیکو انجام داده است آن را می‌گوییم. ← أَحْسَنْتَ، أَحْسَنْتِ (آفرین بر تو)

۳- ایستادن در صف‌های مدرسه در صبح ← إِصْطِفَافٌ صَبَاحِيٌّ (صف صبحگاه)

۴- چیزی که ملک او شده است و نسبت به آن همان‌طور که می‌خواهد انجام می‌دهد ← اِمْتَلَكَ (ماضی)، يَمْتَلِكُ (مضارع)، اِمْتَلَاك (مصدر)

(مالک شد، مالک می‌شود، مالک‌شدن)

۵- کسی که در یک سرزمین با ما زندگی می‌کند ← الْمُوَاطِن (شهروند، هم‌میهن)

۶- اقدام به تمرین و فعالیت کردن ← الْمُمَارَسَةُ (تمرین کردن، انجام‌دادن)

پاسخ تمرین نهم

۱- برنده‌ی اول (الأوَّل) جایزه‌ی طلایی و برنده‌ی دوم جایزه‌ی نقره‌ای دارد.

دلیل: چون «الفائز» مذكر است، عدد بعد از آن که صفت است نیز مذكر می‌آید «الأوَّل».

۲- در صف صبحگاه در ده «عَشْرَةٌ» ردیف (صف) ایستادیم.

دلیل: چون بعد از عدد، اسم به صورت جمع آمده است «صُفُوفٍ» باید عدد اصلی ۳ تا ۱۰ باشد «عَشْرَةٌ».

۳- پنجره‌ی اول «الأوَّلِي» از پنجره‌های مدرسه باز است.

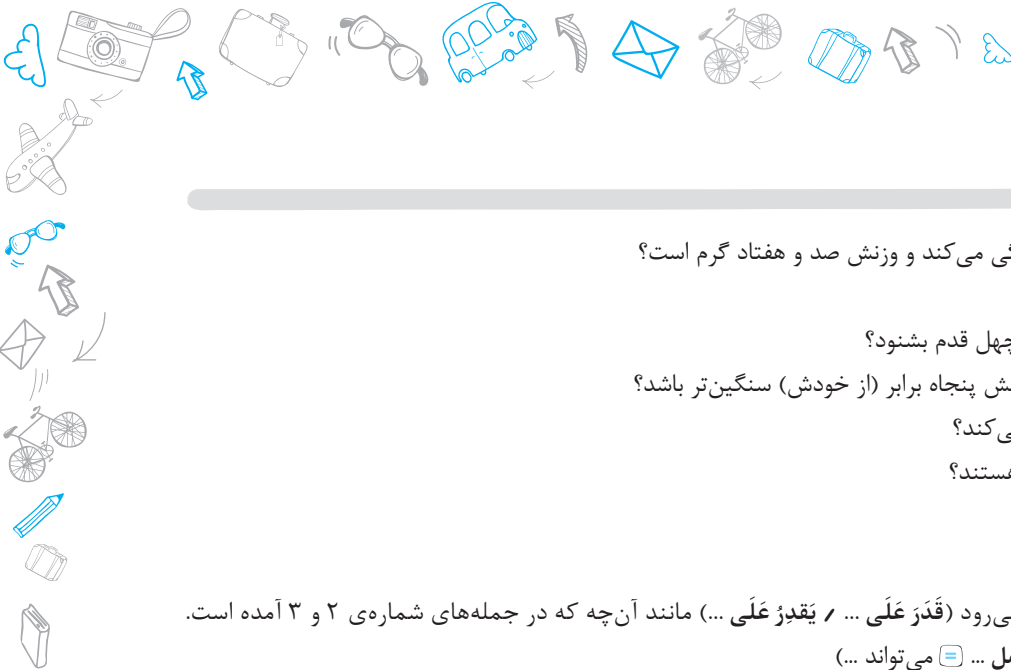
دلیل: چون «النَّافِذَةُ» مؤنث است، عدد بعد از آن نیز مؤنث می‌آید و صفت آن «الأوَّلِي» است.

۴- جریان برق در چهار «أَرْبَع» اتاق قطع شده است.

دلیل: چون معدود جمع آمده است «خُجَرَاتٍ»، عدد اصلی می‌آید (نه ترتیبی) (أَرْبَع).

۵- من دو برادر و دو خواهر (اِثْنَتَانِ) دارم.

دلیل: چون معدود که اول آمده مثنی و مؤنث است، عدد که صفت آن است نیز مثنی و مؤنث می‌آید (اِثْنَتَانِ).





پاسخ تمرین دهم

- ۱- یازده بازیکن (لایعبا) در تیم فوتبال بازی می کنند.
دلیل: معدود عدد ۱۱ مفرد می آید.
- ۲- چهار سرباز (جُنود) جلوی درِ سازمان ایستاده اند.
دلیل: معدود عدد ۳ تا ۱۰ جمع می آید و مضاف الیه. عدد «أربعة» + جنود (جمع و مضاف الیه)
- ۳- دو ماه (قمران) دور سیاره ی مریخ هستند.
دلیل: چون عدد «اثنان» آمده به معنی «دو» و صفت است، معدود (موصوف) نیز مثنی می آید (قمران).
- ۴- یک لوله (أنبوبه) در باغ بسته شده است.
دلیل: چون عدد «واحدة» مفرد و مؤنث آمده و صفت است، معدود (موصوف) نیز مفرد مؤنث می آید (أنبوبه).
- ۵- در مدرسه ی ما ده کولر (مُکيفات) وجود دارد.
دلیل: معدود عدد ۳ تا ۱۰ جمع و مضاف الیه می آید و چون عدد ده است (عَشْرَة) معدود جمع می آید (مُکيفات).

واژه شناسی

فعل

أَخْسَنَ (يُحْسِنُ إِحْسَانًا): نیکی کرد	اتَّخَذَ (يَتَّخِذُ، اتَّخَاذًا): گرفت
أَحْسَنْتُ: آفرین بر تو / یک جمله ی دعایی است و از فعل و فاعل تشکیل شده است.	أَخْبَرَ (يُخْبِرُ إِخْبَارًا): خبر داد
أَعْلَقَ (يُغْلِقُ إِغْلَاقًا): بست	إِمْتَلَكَ (يَمْتَلِكُ إِمْتِلَاكًا): مالک شد
إِنْتَفَعَ (يَنْتَفِعُ انْتِفَاعًا): سود برد	تَعَاوَنَ (يَتَعَاوَنُ تَعَاوُنًا): همکاری کرد
حَافِظًا (يُحَافِظُ مُحَافِظَةً): نگهداری کرد	رَمَى (يُرْمِي رِمَايَةً): پرت کرد، تیر انداخت
ساوَى (يُسَاوِي مُساوَاةً): برابر است	فَرَّغَ (يُفْرِغُ فَرَاغًا): خالی شد
فاقَ (يَفُوقُ فَوْقًا): برتری یافت	قامَ (يَقُومُ قِيَامًا): برخاست، ایستاد
قامَ بِ: اقدام کرد، پرداخت، انجام داد (فعل + حرف اضافه)	لَبِثَ (يَلْبِثُ لَبْثًا): ماند، اقامت کرد
ما أَجْمَلُ: چه زیباست / یک جمله ی تعجبی است.	مارَسَ (يُمَارِسُ مُمارِسةً): تمرین کرد، انجام داد
نَصَحَ (يُنصَحُ نَصَحًا): پند داد	

اسم

إِطْفَاء: خاموش کردن / مفرد مذکر، مصدر	إِصْطَفَاءٌ صِبَاغِيٌّ: صف صبحگاه / دارای ترکیب وصفی
إِقْتِرَاح: پیشنهاد / مفرد مذکر، مصدر	أَعْمِدَةٌ: ستون ها، جمع مکسر، مفرد آن: عمود
أُنْبُوبَةٌ: لوله / جمع آن: أنابيب	أَمْتار: مترها / مفرد آن: متر
بَهَائِم: چهارپایان (به جز درندگان)، جمع مکسر، مفرد آن: بهيمة / درندگان: سباع، مفرد آن: سبُع	بِقَاع: قطعه های زمین، جمع مکسر، مفرد آن: بُقعة
تَبَّار: جریان / مفرد مذکر، بر وزن «فَعَال»	حُجْرَات: اتاق ها، جمع مؤنث سالم، مفرد آن: حُجْرَة
حُرٌّ: آزاد / مفرد مذکر	حِصَّة: زنگ درسی، بخش، قسمت / مفرد مؤنث
	حِفَاظٌ عَلِيٌّ: نگهداری کردن از / مفرد مذکر، مصدر، با حرف اضافه ی «علی» می آید.
	حَنْفِيَّةُ الْمَاءِ: شیر آب / اسم اول مؤنث و اسم دوم مذکر، دارای ترکیب اضافی
	دوام: ساعت کار
	دوامٌ مَدْرَسِيٌّ: ساعت کار مدرسه / هر دو اسم مفرد مذکر، دارای ترکیب وصفی
	دَوْرَةُ الْمِيَاهِ: سرویس بهداشتی / اولی اسم مفرد مؤنث و دومی جمع مکسر (مفرد آن: ماء) / دارای ترکیب اضافی
سائح: گردشگر / جمع آن: سائحون، سائحین، سُباح	زائد: به اضافه ی (+) / مفرد مذکر
خَمْسِينَ ضِعْفًا: پنجاه برابر	ضِعْف: برابر / مفرد مذکر
غرام: گرم	عِنْدَئِذٍ: در آن هنگام، قید زمان
	فارِغ: خالی / مفرد مذکر



مَرافِقُ عَامَّةٌ: تأسیسات عمومی / اسم اول جمع مکسر (مفرد آن: مِرْفَق) و اسم دوم مفرد مؤنث، ترکیب وصفی دارند.

★ واژه‌ی «مَرافِق» با واژه‌ی «مَرافِق» به معنی «همراه» اشتباه نشود.

مِضْبِاف: مهمان نواز / مفرد مذکر

★ این واژه از واژه‌ی «ضیف» به معنی «مهمان» ساخته شده است.

مُغْلِقٌ: بسته‌شده / مفرد مذکر، اسم مفعول

مُكَيِّفُ الْهَوَاءِ: هر دو اسم مفرد مذکر هستند و ترکیب اضافی دارند (مضاف + مضاف‌الیه) واژه‌ی «مُكَيِّف» به معنی «تغییردهنده» و «کیفیت‌دهنده» است که مقصود «کولر» است.

مُؤَاطِن: شهروند، هم‌میهن / مفرد مذکر

نَشَاط: فعالیت / مفرد مذکر

هُدوء: آرامش / مفرد مذکر، مصدر

ناقص: منهای (-)

نُفَاف: زباله‌ها / جمع مؤنث سالم، مفرد آن: نُفَافَة

هُؤَاف: تلفن‌ها / جمع مکسر، مفرد آن: هَاف

أَخْبَرَ = اَعْلَمَ	حَافِظٌ = رَاقِبٌ	وَجَدَ = عَلِمَ	وَاجِبٌ = ضَرُورِيٌّ	حَدِيقَةٌ = بُسْتَانٌ
بِهائمٌ = اَنْعامٌ	حُجراتٌ = عُرْفَاتٌ	التَّالِي = القادِم	طَيِّبٌ = جَيِّدٌ	عامٌ = سَنَةٌ
بِقاعٌ = اَمْكِنَةٌ	رَمِي = قَدَفٌ	اهْتِمَامٌ = عِنَابَةٌ	وَاجِبَاتٌ = وَطَافٌ	جاءَ = اَتَى
تَعَاوَنٌ = سَاعَدٌ	عِنْدَنْدٌ = حِينَنْدٌ	مَقْصُودٌ = هَدَفٌ، غَايَةٌ	حَسَنٌ = جَيِّدٌ	اِحْتِرَامٌ = اِكْرَامٌ
لَبِثٌ = بَقِيٌّ	رُجُوعٌ = عَوْدٌ	تَكَلَّمَ = حَدَّثَ	حَدِيثٌ = كَلامٌ	جَوائِزٌ = هَدَافِيا
والِدَةٌ = اُمٌّ	ظَنَّ = تَصَوَّرَ	طَرِيقٌ = سَبِيلٌ	والِدٌ = اَبٌ	صَارَ = اَصْبَحَ

أَحْسَنٌ = اَساءٌ	قامٌ = جَلَسَ	صَغِيرٌ = كَبِيرٌ	مُشاةٌ = رَاكِبُونَ	جاءَ = ذَهَبَ
إِطْفاءٌ = اِنْازَةٌ	مُغْلِقٌ = مَفْتُوحٌ	بارِدٌ = حارٌ	أَنْسَى = اَذْكَرٌ	فَرَّغَ = اِمْتَلَأَ
أَعْلَقَ = فَتَحَ	اِنْتِهاءٌ = اِبْتِداءٌ	فائِزُونَ = مُنْهَزمُونَ	لا تَكْتُمُ = لا تَطْهَرُ	حَسَنَةٌ = سَيِّئَةٌ
اِنْتَفَعَ = تَصَرَّرَ	قَلِيلٌ = كَثِيرٌ	اِسْتَلَمَ = اَعْطَى	تَعِيشٌ = تَمَوَّثَ	مُشْرِكَةٌ = خَاصَّةٌ
حَزٌّ = عَبْدٌ	التَّالِي = المَاضِي	حَقٌّ = باطلٌ	أَمامٌ = خَلْفٌ	فارِغٌ = مَمْلُوءٌ
زائِدٌ = ناقِصٌ	سَأَلَ = اَجابَ	مَساءٌ = صَباحٌ	نَشَاطٌ = كَسَلٌ	

كَمَلْ تَرْجَمَةَ العِباراتِ التَّالِيَةِ.

۱- في صَباحِ اليَوْمِ التَّالِي، سَكَرَتْ مُدِيرَةُ المَدْرَسَةِ في الاِصْطِفافِ الصَّباحِيِّ فاطِمَةَ.

در صبح روز بعد، مدیر مدرسه

۲- وَجَدَتْ سُمَيَّةُ الحُجْرَةَ فارِغَةً ثُمَّ حاوَلَتْ فَتَحَ البابِ.

سمیه دید که اتاق

۳- اِنْكُمْ مُسْؤُولُونَ حَتَّى عَنِ البِقاعِ و البِهايمِ.

قطعاً شما حتی در مورد

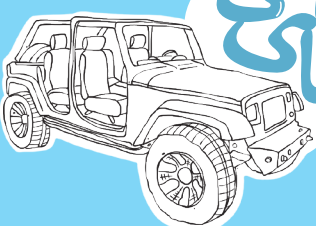
۴- هذا الاِقتِراحُ حَسَنٌ و سَتَتعاونُ جَمِيعاً عَلى العَمَلِ بِهذا الحَدِيثِ.

این خوب است و ما همگی

۵- كَانتِ التَّلْمِيذَةُ باِنْتِظارِ والِها لِلرُّجُوعِ اِلى البَيتِ بَعدَ اِنْتِهاءِ الدَّوامِ المَدْرَسِيِّ.

دانش آموز منتظر پدرش بود برای

امتحانی سولهای



اقرأ العبارات التالية ثم عَيِّن ترجمتها الصحيحة.

۶- كانت حُجْرَاتُ المدرسة مُغلقةً.

- الف) در اتاق مدرسه را بست.
 ب) اتاق‌های مدرسه باز بود.
 ج) اتاق‌های مدرسه بسته بود.

۷- سَمِعْتُ سُمِيَّةً وَ زَمِيْلَاتِهَا صَوْتَ مُكَيِّفِ الْهَوَاءِ مِنْ إِحْدَى الْحُجْرَاتِ.

- الف) سمیه و هم‌کلاسی‌هایش صدای شیر آب را از سرویس بهداشتی شنیدند.
 ب) سمیه و هم‌کلاسی‌هایش صدای کولر را از یکی از اتاق‌ها شنیدند.
 ج) سمیه و دوستانش صدای کولر را از یکی از سرویس‌ها شنیدند.

۸- الْحِفَافُ عَلَيَّ الْمُرَافِقِ الْعَامَّةِ وَاجِبٌ عَلَيَّ كُلِّ مُوَاطِنٍ.

- الف) حفاظت از اموال عمومی کشور بر هر هم‌میهنی لازم است.
 ب) نگهداری از تأسیسات عمومی بر هر شهروندی لازم است.
 ج) نگهداری از عموم مردم بر هر دولتمردی لازم است.

۹- التَّلْمِيذُ مَا أَعْلَقَ حَنْفِيَّةَ الْمَاءِ أَمْسٍ.

- الف) دیروز دانش‌آموز شیر آب را نبست.
 ب) دیروز دانش‌آموز آب آلوده را بیرون برد.
 ج) دانش‌آموز شیر آب را به خوبی بست.

۱۰- الْمُدْرَسَةُ تَنْصَحُ التَّلْمِيذَاتِ أَنْ لَا يَرْمِيْنَ النُّفَايَاتِ فِي غَيْرِ مَكَانِهَا.

- الف) خانم معلم به دانش‌آموزان نصیحت می‌کند که زباله‌ها را در غیر مکانش پرت نکنند.
 ب) خانم معلم به دانش‌آموزانش نصیحت کرد که زباله‌ها را در غیر مکانش پرت نکنند.
 ج) خانم معلم از دانش‌آموزان دلیل پرت کردن زباله را به سطل آشغال پرسید.

ترجم العبارات التالية ثم عَيِّن نوع الأفعال فيها.

۱۱- ما بَقِيَ فِي الْمَدْرَسَةِ إِلَّا جَمْعٌ قَلِيْلٌ مِنْ زَمِيْلَاتِهَا.

۱۲- بَعْضُ الْمُدْرَسَاتِ يَنْتَظِرْنَ أَنْ تَفْرَغَ الْمَدْرَسَةُ مِنَ الطَّالِبَاتِ.

۱۳- التَّلَامِيذُ طَنَوْا أَنْ طَالِبِي الصَّفِّ الْآخِرِ فِي حِصَّةِ تَقْوِيَّةٍ أَوْ يُمَارِسُونَ نَشَاطًا حِرًّا.

۱۴- لِمَاذَا لَا تَذَهِيْبِينَ إِلَى السَّفْرِ؟

ترجم العبارات التالية ثم عَيِّن نوع التراكيب فيها.

۱۵- الْمُرَافِقُ الْعَامَّةُ هِيَ الْأَمَاكُنُ الَّتِي تَمْتَلِكُهَا الدَّوْلَةُ.

۱۶- شَاهَدَتِ الْمُدِيرَةَ إِحْدَى الطَّالِبَاتِ بِاسْمِ فَاطِمَةَ.

۱۷- كَانَتْ مَدِيرَةُ الْمَدْرَسَةِ وَ بَعْضُ الْمُدْرَسَاتِ يَنْتَظِرْنَ أَنْ تَفْرَغَ الْمَدْرَسَةُ مِنَ الطَّالِبَاتِ.

ترجم الأفعال التالية واذكر نوعها.

۱۸- ما بقيتم:

۲۰- لا نشاهد:

۲۲- سوف نحاولين:

۲۴- سأغلق:

ترجم الأفعال التالية و اكتب صيغتها.

۲۵- سنتعاون:

۲۷- أرمي:

۲۹- لا تسألين:

۳۱- تتفغن:

ترجم العبارات التالية. هل تعلم أن ...

۳۲- ... القطة ترى في الظلام أفضل من الانسان بسبع مرات!؟

۱۹- كانا ينتظران:

۲۱- ظننتن:

۲۳- ما تكلمتن:

۲۶- كانت تنصحن:

۲۸- لا تحافظي:

۳۰- أذكرن:



٣٣- ... نوعاً من الكنغر يقدر على أن يقفز إلى الأعلى أكثر من ثلاثة أمتار وأكثر من اثني عشر متراً إلى الأمام وذلك في قفزة واحدة؟!

٣٤- ... القرآن ذو ثلاثين جزءاً ومئة وعشرين حزباً؟!

٣٥- ... أربعة أئمة من أهل البيت عليهم السلام ذُفِنوا في البقيع؟!

٣٦- ... ضوء الشمس يصل إلينا خلال ثمانين دقائق فقط؟!

أي كلمة من الكلمات تناسب التوضيحات التالية؟

٣٧- هم الذين يعيشون في البلاد. (المحافظة - الشَّباب - الشعب)

٣٨- هو الذي يسافر إلى مدن كثيرة وبلاد مختلفة لكسب العلم والتجربة. (السائح - السائق - الطيار)

٣٩- هو الذي يعظ الآخرين بالقول والعمل. (الحز - الهاتف - الناصح)

ضع في الفراغ الضمير المناسب.

٤٠- الطفولة السنوات الأولى من حياة الإنسان.

٤١- أسافر إلى المناطق المختلفة لصيد الحيوانات النادرة.

٤٢- المعلمات اللاتي يذهبن إلى الصف ويدرسن جيداً.

٤٣- تصبرين في مصاعب الحياة.

اكتب مفرد الأسماء التالية.

٤٤- أعمدة: ٤٥- أنابيب:

٤٨- حُجرات: ٤٩- شعوب:

صَحِّح الأخطاء حول العبارات التالية.

٥٢- التلاميذ مشغولون بتهيئة صحيفة جدارية.

٥٤- المخزن مكان نَجعلُ ونَحفظُ فيه شيئاً مختلفاً.

٥٦- هاتان الطفلان تلعبان بين الأشجار.

٥٨- أين تذهبون؟ أذهبُ إلى منطمة العمل.

اكتب في الفراغ كلمة مناسبة، حسب المعنى واللفظ.

٥٩- أين جَلستِ المرأة؟

٦٠- هي باب بيتها.

٦١- يا أختي، هل الزمان قبل دقيقة؟

٦٢- أنت طبيبة المرضى بدقة.

اكتب في الفراغ عدداً مناسباً.

٦٣- «فكفارتَه إَطعامٌ مساكين.»

٦٤- «فقلنا اضرب بعصاك الحجر فأنفجرت منه عيناً.»

٦٥- أستشهد في ساحة الجهاد مجاهداً.

٦٦- ستشهد الإمام الحسين عليه السلام في اليوم من شهر محرم.

أجب عن العمليات الحسابية التالية.

٦٧- خمسون تقسيم على عشرة يساوي خمسا.

٦٩- تسع وأربعون ناقص ثلاثين يساوي تسعة عشر.

ترجم الأعداد والمعدودات.

٧١- خمسة كتب:

٧٣- ثلاثة أيام:

٧٥- أحد عشر مضيافاً:

٧٧- ثلاثة عشر تلميذاً:

٧٩- تسعة وتسعون ذبياً:

٨١- واحد وسبعون قلماً:

٧٢- إلهين إثنين:

٧٤- ستة أسابيع:

٧٦- سبعة لاعبين:

٧٨- إثنان وعشرون مدرسة:

٨٠- سبع وستون حديقة:

٨٢- أربعة وخمسون بيتاً:

٦٨- واحد وثلاثون زائد تسع وستين يساوي مئة.

٧٠- سبعون ناقص عشرين يساوي خمسين.

- | | | | | | |
|--------------------------|------|--------------------------|-------|--------------------------|------|
| <input type="checkbox"/> | هي | <input type="checkbox"/> | أنت | <input type="checkbox"/> | هم |
| <input type="checkbox"/> | أنتِ | <input type="checkbox"/> | أنا | <input type="checkbox"/> | هُما |
| <input type="checkbox"/> | أنتن | <input type="checkbox"/> | هُنَّ | <input type="checkbox"/> | هُم |
| <input type="checkbox"/> | أنتِ | <input type="checkbox"/> | أنت | <input type="checkbox"/> | أنا |

- | | |
|-------------------|------------------|
| ٤٦- بهائم: | ٤٧- بقاع: |
| ٥٠- نفايات: | ٥١- هواتف: |

- ٥٣- السيارتان تصادما أمام باب المصنع.
- ٥٥- عشرة طلاب كان في السفارة العلمية.
- ٥٧- أولئك الحيوانات يأكلن الفواكه.

- | | | | | | |
|--------------------------|--------|--------------------------|-----------|--------------------------|-----------|
| <input type="checkbox"/> | ذلك | <input type="checkbox"/> | هذه | <input type="checkbox"/> | هذا |
| <input type="checkbox"/> | طَرقتُ | <input type="checkbox"/> | ما طَرقتُ | <input type="checkbox"/> | يَطْرُقُن |
| <input type="checkbox"/> | أكلتم | <input type="checkbox"/> | كان تأكل | <input type="checkbox"/> | أكلتِ |
| <input type="checkbox"/> | تفحصين | <input type="checkbox"/> | تفحص | <input type="checkbox"/> | إفحصوا |

- | | | | |
|--------------------------|-----------|--------------------------|-------------|
| <input type="checkbox"/> | عشرة | <input type="checkbox"/> | إثنا عشر |
| <input type="checkbox"/> | إثنا عشرة | <input type="checkbox"/> | سبع |
| <input type="checkbox"/> | عشرة | <input type="checkbox"/> | سبعة وخمسون |
| <input type="checkbox"/> | العاشر | <input type="checkbox"/> | عشر |

٨٣- الفائز التاسع:

ضع في الدائرة العدد المناسب. (كلمة واحدة زائدة).

- ٨٥- الإيثار مكانٌ يُعْبَدُ اللهُ فيه.
 ٨٦- غاباٌ يُوقَعُ الإنسان في المهالك.
 ٨٧- الطَّمْعُ كتابٌ يشرحُ معاني الكلمات.
 ٨٨- المسجدُ مكانٌ لفحص المَرَضَى.
 ٨٩- الجَوَالُ ما زندرانُ الخضراء من أجمل المناطق في إيران.
 ٩٠- الفَلَاخُ هو النور المبين و الذِّكر الحكيم.
 ٩١- القرآنُ صفةٌ إنسانيةٌ يتخلَّقُ بها المؤمن.
 ٩٢- المستوصفُ يُدافع عن الوطن بروحه و جسمه.
 ٩٣- المعجمُ يحصدُ القمح.
 ٩٤- الجنديُّ

عيِّن الفعلَ الذي لا يُناسبُ الأفعالَ الأخرى في الصيغة.

- ٩٥- لا تذهبن صبرتُن
 ٩٦- أنْفَقِي أسْبِخْ
 ٩٧- جَلَسْنَا ندخلُ
 ٩٨- تسألونَ ضربتم
 ٩٩- رأيتُ تنظرينَ
 ١٠٠- قالا يكتبانِ
- ٩٥- لا تذهبن صبرتُن
 ٩٦- أنْفَقِي أسْبِخْ
 ٩٧- جَلَسْنَا ندخلُ
 ٩٨- تسألونَ ضربتم
 ٩٩- رأيتُ تنظرينَ
 ١٠٠- قالا يكتبانِ

عيِّن الكلمة التي لا تناسبُ الكلمات الأخرى في المعنى.

- ١٠١- أمَامَ يومٌ
 ١٠٢- يد رأس
 ١٠٣- ذُنْبٌ رَمَانٌ
 ١٠٤- ثعلب نجم
- ١٠١- أمَامَ يومٌ
 ١٠٢- يد رأس
 ١٠٣- ذُنْبٌ رَمَانٌ
 ١٠٤- ثعلب نجم

عيِّن الكلمات المترادفة و المتضادة. (= / ≠)

- ١٠٥- لبث بقي
 ١٠٦- فارغ مملوء
 ١٠٩- تَعَاوَنَ سَاعَدَ
 ١١١- مساءً صباحاً
- ١٠٥- لبث بقي
 ١٠٦- فارغ مملوء
 ١٠٩- تَعَاوَنَ سَاعَدَ
 ١١١- مساءً صباحاً

اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الأَسْئَلَةِ:

طالباتُ المدرسة مسرورات لأنهنَّ سوف يذهبنَ لسفرةٍ علميةٍ من شيراز إلى ياسوج. المديرية: سنذهبُ إلى سفرةٍ علميةٍ يوم الخميس في الأسبوع القادم. عليكمَ بمراعاة بعض الأمور:

● تهيئة الملابس المناسبة؛ لأنَّ الجوَّ في ياسوج بارد.

● الحضور في ساحة المدرسة في الساعة السابعة صباحاً.

١١٣- في أي يوم تذهب الطالبات إلى السفر؟

١١٥- إلى أين تذهب الطالبات؟

١١٧- كم فعلاً في النَّصِّ؟

١١٤- لماذا الطالبات مسرورات؟

١١٦- لأي شيء تهيئة الملابس المناسبة؟



امتحان سؤالات پاسخ

ترجمه‌ی عبارتهای زیر را کامل کن.

- ۱- در صبح روز بعد، مدیر مدرسه در صف صبحگاه از فاطمه قدردانی کرد.
الإصطفاف الصُّباحي: صف صبحگاه
- ۲- سمیه دانست که اتاق خالی است، آن‌گاه تلاش کرد که در را باز کند.
وجد: دید / فارغة: خالی / حاولت: تلاش کرد
- ۳- قطعاً شما مسئولید حتی در مورد مکان‌ها و چهارپایان.
بقاع: قطعه‌های زمین / بهائم: چهارپایان

- ۴- این پیشنهاد خوب است و ما همگی در مورد عمل به این حدیث (با یکدیگر) همیاری خواهیم کرد.
اقتراح: پیشنهاد / سنتعاون: کمک خواهیم کرد

- ۵- دانش‌آموز منتظر پدرش بود برای بازگشت به منزل پس از پایان ساعت کار مدرسه.
رُجوع: بازگشت / الدوام المدرسي: ساعت کار مدرسه

عبارتهای زیر را بخوان، سپس ترجمه‌ی درست را مشخص کن.

- ۶- ج) كانت: بود / حجرات: اتاق‌ها / مُغلق: بسته
- ۷- ب) زميلات: هم‌کلاسی‌ها / مُكَيِّف الهواء: کولر / إحدى: یکی از
- ۸- ب) المرافق العامة: تأسیسات عمومی / كل مواطن: هر شهروندی
- ۹- الف) ما أُلِق: نسبت / حنفيّة الماء: شیر آب / أُنس: دیروز
- ۱۰- الف) تنصّح: نصیحت می‌کند / أن: که / لا یرمین: نیندازند، پرت نکنند / النفايات: زباله‌ها

عبارتهای زیر را ترجمه کن، سپس نوع فعل‌ها را در آن‌ها مشخص کن.

- ۱۱- به‌جز گروه اندکی از هم‌کلاسی‌هایش کسی در مدرسه نماند.

ما بقی: نماند، فعل ماضی منفی

- ۱۲- برخی از خانم معلم‌ها منتظرند که مدرسه از دانش‌آموزان خالی شود.

أن تفرغ: که خالی شود، مضارع

- ۱۳- دانش‌آموزان گمان کردند که دانش‌آموزان یک کلاس دیگر در زنگ تقویتی هستند یا یک فعالیت آزاد انجام می‌دهند.

ظنوا: گمان کردند، فعل ماضی / يُمارسون: تمرین می‌کنند، فعل مضارع

☆ «طالبی الصف» یک ترکیب اضافی است که اسم مضاف چون مذکر بوده است نون آن حذف شده است.

طالبین (مضاف) + الصف (مضاف‌الیه) ← طالبی الصف

- ۱۴- چرا به مسافرت نمی‌روی؟

لا تذهبین: فعل مضارع منفی

عبارتهای زیر را ترجمه کن، سپس نوع ترکیب‌ها را در آن‌ها مشخص کن.

- ۱۵- تأسیسات عمومی همان مکان‌هایی است که دولت مالک آن است (در اختیار دارد).

المرافق العامة: ترکیب وصفی (موصوف + صفت)

- ۱۶- خانم مدیر یکی از دانش‌آموزان به نام فاطمه را دید.

«إحدى الطالبات» (إحدى: مضاف، الطالبات: مضاف‌الیه) و «اسم فاطمة» (اسم: مضاف، فاطمة: مضاف‌الیه) ترکیب اضافی دارند.

- ۱۷- مدیر مدرسه و بعضی از معلم‌ها منتظر می‌مانند که مدرسه از دانش‌آموزان خالی شود.

«مديرة المدرسة» (مديرة: مضاف، المدرسة: مضاف‌الیه) و «بعض المدرسات» (بعض: مضاف، المدرسات: مضاف‌الیه) هر دو ترکیب اضافی دارند.

فعل‌های زیر را ترجمه کن و نوع آن‌ها را ذکر کن.

- ۱۸- ما بقیتم: نماندید / فعل ماضی منفی

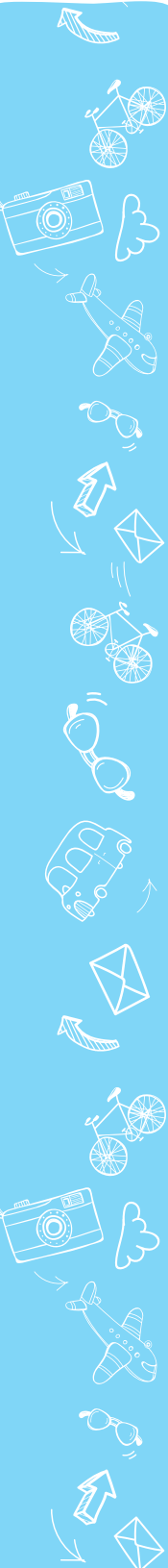
- ۱۹- کانا ینتظران: منتظر می‌مانند / فعل ماضی استمراری

- ۲۰- مشاهده نمی‌کنیم / فعل مضارع منفی

- ۲۱- گمان کردید / فعل ماضی ساده

- ۲۲- تلاش خواهی کرد / فعل مستقبل

- ۲۳- سخن نگفتید / فعل ماضی منفی



۲۴- خواهیم بست / فعل مستقبل

فعل‌های زیر را ترجمه کن و صیغه‌های آن‌ها را بنویس.

- ۲۵- سننعاون: همیاری (کمک) خواهیم کرد / متکلم مع‌الغیر، اول شخص جمع
 ۲۶- کانت تنصیح: نصیحت می‌کرد / مفرد مؤنث غایب، سوم شخص مفرد
 ۲۷- أرمي: پرت می‌کنم، می‌اندازم / متکلم وحده، اول شخص مفرد
 ۲۸- لا تُحافظي: نگاه‌داری نکن / مفرد مؤنث مخاطب، دوم شخص مفرد
 ۲۹- لا تسألان: نمی‌پرسند، نمی‌پرسید / مثنای مؤنث غایب (سوم شخص جمع)، مثنای مذکر یا مؤنث مخاطب (دوم شخص جمع)
 ۳۰- أذکرن: یاد کنید / جمع مؤنث مخاطب، دوم شخص جمع
 ۳۱- تَنصِفَن: سود می‌برید / جمع مؤنث مخاطب، دوم شخص جمع

عبارت‌های زیر را ترجمه کن. آیا می‌دانی که ...

- ۳۲- گربه در تاریکی هفت برابر بهتر از انسان می‌بیند!
 ۳۳- نوعی از کانگورو می‌تواند بیش از سه متر به طرف بالا و بیش از دوازده متر به طرف جلو بپرد، آن هم در یک پرش؟!
 ۳۴- قرآن دارای سی جزء و صد و بیست حزب است!
 ۳۵- چهار امام از اهل بیت علیهم‌السلام در (قبرستان) بقیع دفن شده‌اند!
 ۳۶- نور خورشید تنها در طول هشت دقیقه به ما می‌رسد!
 کدام کلمه از کلمات، مناسب توضیحات زیر است؟
 ۳۷- آن‌ها کسانی هستند که در کشور زندگی می‌کنند. (استان - جوانان - ملت)
 ۳۸- او کسی است که برای کسب علم و تجربه به شهرهای زیاد و کشورهای گوناگونی مسافرت می‌کند. (گردشگر - راننده - خلبان)
 ۳۹- او کسی است که با گفتار و رفتار به دیگران پند می‌دهد. (آزاد - تلفن - نصیحت‌کننده)

در جای خالی ضمیر مناسب بگذار.

- ۴۰- کودکی همان (هي) سال‌های نخستین از زندگی انسان است.
 دلیل: چون «الطفولة: کودکی» که اسم مفرد مؤنث است آمده، ضمیر آن نیز مفرد مؤنث غایب، یعنی «هي» است.
 ۴۱- من (أنا) برای شکار حیوانات کمیاب به مناطق مختلف سفر می‌کنم.
 دلیل: ضمیر مناسب فعل مضارع متکلم وحده (اول شخص مفرد) واژه‌ی «أنا: من» است.
 ۴۲- خانم معلم‌ها همان (هُنَّ) کسانی هستند که به مدرسه می‌روند و خوب درس می‌دهند.
 دلیل: با توجه به واژه‌های «المعلمات، اللّاتی، یذهبن، یُدّرسن» ضمیر مناسب «هُنَّ» است.
 ۴۳- تو (أنتِ) در سختی‌های زندگی صبر می‌کنی.
 دلیل: با توجه به صیغه و ساختار فعل «تصبرین» که مفرد مؤنث مخاطب یا دوم شخص مفرد است، ضمیر «أنتِ» مناسب جای خالی است.

مفرد اسم‌های زیر را بنویس.

- ۴۴- أعمدة ← مفرد آن: عمود (ستون)
 ۴۵- أنابیب ← مفرد آن: أنبوبة (لوله)
 ۴۶- بهائم ← مفرد آن: بهیمة (چهارپا)
 ۴۷- بقاع ← مفرد آن: بُقعة (قطعه‌ی زمین)
 ۴۸- حُجرات ← مفرد آن: حُجرة (اتاق)
 ۴۹- شُعوب ← مفرد آن: شعب (ملت)
 ۵۰- نُفایات ← مفرد آن: نُفایة (زباله)
 ۵۱- هَوَاتِف ← مفرد آن: هاتف (تلفن)



- ۱) اسم در شماره‌ی ۴۸ و ۵۰ جمع مؤنث سالم و در بقیه‌ی شماره‌ها جمع مکسر است.
 ۲) اگر اسمی جمع باشد باید توجه کنید که آن اسم در مورد انسان است یا غیرانسان؛ اگر غیرانسان باشد، در جمله آن را به عنوان «یک اسم مفرد مؤنث» در نظر می‌گیریم و صفت، اسم اشاره، ضمیر، فعل و ... در مورد آن مفرد مؤنث به کار می‌بریم:
 ● هَوْلَاءُ كُنْتُبْ (نادرست) ← هذه كُنْتُبْ (درست) چرا که جمع غیرانسان است.
 ● هَوْلَاءُ سَانِحُونَ (درست) ← چرا که جمع انسان است.
 ● هَوْلَاءُ حُجْرَاتْ (نادرست) ← هذه حُجْرَاتْ (درست) چرا که جمع غیرانسان است.

خطاهای پیرامون عبارت‌های زیر را درست کن.

- ۵۲- «التلاميذ، جمع مذکر» با «مشغولات، جمع مؤنث» هماهنگی ندارد، پس یکی از آن‌ها را باید تغییر داد:



التلاميذ مشغولون ... / التلميذات مشغولات ...

۵۳- واژه‌ی «السَّيَّارَاتِ» که مؤنث است با فعل ماضی «تَصَادَمَا» هم‌خوانی ندارد. درست عبارت: السَّيَّارَاتِ تَصَادَمَتَا ...

۵۴- واژه‌ی «شَيْئاً» مذکر است با واژه‌ی «مُخْتَلِفَةً» که صفت آن است و مؤنث آمده هم‌خوانی ندارد. درست آن این‌گونه است: «... نَحْفَظُ فِيهِ شَيْئاً مُخْتَلِفاً.»

۵۵- چون واژه‌ی «طَلَابٍ» جمع است، فعل «كَانَ» باید جمع بیاید. «عَشْرَةُ طَلَابٍ كَانُوا ...»

۵۶- واژه‌های هَاتَانِ (مؤنث)، الطَّفَلَانِ (مذکر)، تَلْعَبَانِ (مؤنث) با هم از نظر جنسیت هماهنگی ندارند، پس باید واژه‌ی «الطَّفَلَانِ» که مذکر است به مؤنث تبدیل کنیم: «هَاتَانِ الطَّفَلَتَانِ تَلْعَبَانِ بَيْنَ الأشْجَارِ.»

۵۷- جمع غیرانسان با اسم اشاره و فعل جمع نمی‌آید، بلکه آن را به عنوان «اسم مفرد مؤنث» در نظر می‌گیریم: جمع غیرانسان = مفرد مؤنث

بنابراین «أُولَئِكَ» با «الحيوانات» و «يَأْكُلْنَ» هماهنگی ندارند، پس باید آن‌ها را تغییر بدهیم: «تَلِكُ الْحَيَوَانَاتِ تَأْكُلُ الْفَوَاكِهِ.»

تلك: مفرد مؤنث / الحيوانات: جمع غیرانسان / تأكل: مفرد مؤنث.

۵۸- سؤال و جواب باید هماهنگی داشته باشد:

بر این اساس «أَيْنَ تَذْهَبُونَ؟» (کجا می‌روید؟) باید جوابش با «ها» بیاید ← نذهبُ إلى منظمة العمل.

براساس معنا و لفظ در جای خالی کلمه‌ی مناسبی بنویس.

۵۹- واژه‌های «جَلَسْتُ، المرأة» مؤنث هستند، پس به سراغ اسم مفرد مؤنث می‌رویم ← هذه / ترجمه‌ی عبارت: این زن کجا نشست؟

۶۰- «هي» ضمیر مفرد مؤنث غایب است، پس به دنبال فعلی می‌گردیم که مفرد مؤنث غایب باشد؛ یعنی: طَرَقَتْ

فعل «ما طرق» مفرد مذکر غایب و فعل «يَطْرُقْنَ» جمع مؤنث غایب است. / ترجمه‌ی عبارت: او در خانه‌ی خود را زد (کوبید).

۶۱- با توجه به «أُخْتِي: خواهرم» فعل نیز باید مفرد مؤنث مخاطب باشد ← أكلت / ترجمه‌ی عبارت: ای خواهرم، آیا یک دقیقه‌ی قبل انار خوردی؟

۶۲- با توجه به «أنتِ طبيبةٌ» که مفرد مؤنث مخاطب است، فعل نیز باید مفرد مؤنث مخاطب باشد ← تفحصين / ترجمه‌ی عبارت: تو پزشکی هستی که بیماران را با دقت معاینه می‌کنی.

در جای خالی عدد مناسبی بنویس.

۶۳- با توجه به معدود که جمع آمده است «مساكين» عدد باید ۳ تا ۱۰ باشد، بنابراین «عَشْرَةَ» درست است. / ترجمه‌ی عبارت: پس کفاره‌ی آن

غذادادن به ده مسکین است.

۶۴- با توجه به معدود که مفرد آمده است «عیناً» عدد باید از ۱۱ تا ۹۹ باشد، بنابراین «اثننا عشرة» درست است. / ترجمه‌ی عبارت: پس ما

گفتیم: با عصای خود به سنگ بز، آن‌گاه از آن (سنگ) دوازده چشمه جاری شد.

۶۵- با توجه به معدود که مفرد آمده است «مُجَاهِدًا» بنابراین عدد باید از ۱۱ تا ۹۹ باشد، پس «سبعة و خمسون» درست است. / ترجمه‌ی عبارت:

در میدان جنگ پنجاه و هفت رزمنده شهید شدند.

۶۶- چون معدود پیش از عدد آمده است «اليوم»، بنابراین عدد باید صفت و همانند آن باشد؛ یعنی «العاشرة». / ترجمه‌ی عبارت: امام حسین عليه السلام

در روز دهم از ماه محرم به شهادت رسید.

یادآوری

۱) اگر معدود جمع بیاید، عدد از ۳ تا ۱۰ است.

۲) اگر معدود مفرد بیاید، عدد از ۱۱ تا ۹۹ است.

۳) اگر معدود پیش از عدد بیاید، عدد و معدود ترکیب وصفی دارند و مانند هم می‌آیند.

در مورد عملیات حسابی زیر پاسخ بده.

۶۷- $۵ = ۱۰ \div ۵$ ۶۸- $۱۰۰ = ۳۱ + ۶۹$ ۶۹- $۱۹ = ۳۰ - ۴۹$ ۷۰- $۷۰ = ۲۰ - ۵۰$

☆ در این‌گونه پرسش‌ها به واژه‌های «تقسیم (+/-)، زائد (+)، في (X)، ناقص (-)» توجه کنید.

عددها و معدودها را ترجمه کن.

۷۱- پنج کتاب ۷۲- دو معبود ۷۳- سه روز ۷۴- شش هفته

۷۵- یازده مهمان‌نواز ۷۶- هفت بازیکن ۷۷- سیزده دانش‌آموز ۷۸- بیست و دو مدرسه

۷۹- نود و نه گرگ ۸۰- شصت و هفت باغ ۸۱- هفتاد و یک قلم ۸۲- پنجاه و چهار خانه

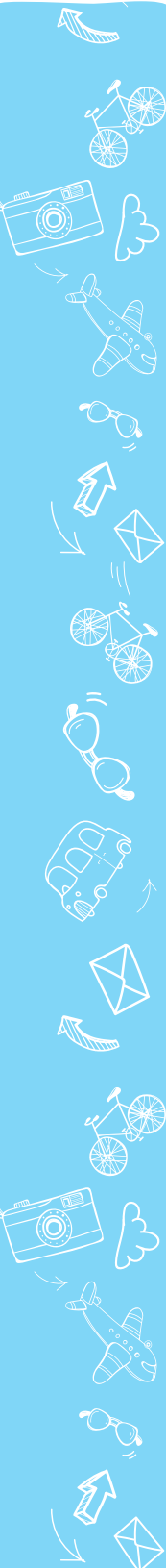
۸۳- برنده‌ی نهم ۸۴- دانش‌آموز هفدهم

در دایره عدد مناسب بگذار. (یک کلمه اضافی است.)

۸۵- الإيثار / صفة إنسانية يتخلق بها المؤمن. ترجمه: ایثار صفتی انسانی است که (انسان) مؤمن به آن آراسته می‌شود.

۸۶- غابات / مازندران الخضراء من أجمل المناطق في إيران. ترجمه: جنگل‌های سرسبز مازندران از زیباترین مناطق ایران است.

۸۷- الطمغ / يُوقِع الإنسان في المهالك. ترجمه: طمع انسان را در مهلکه‌ها می‌اندازد.



۸۸- المسجدُ / مكانٌ يُعْبَدُ اللهُ فيه. ترجمه: مسجد مکانی است که در آن خداوند پرستش می‌شود.

۸۹- الجَوَالُ: تلفن همراه (کلمه‌ی اضافی)

۹۰- الفَلَاخُ / يحصد القمح. ترجمه: کشاورز گندم را درو می‌کند.

۹۱- القرآنُ / هو النور المبين و الذكر الحكيم. ترجمه: قرآن همان روشنائی آشکار و ذکر حکیم است.

۹۲- المستوصفُ / مكانٌ لفحص المرضى. ترجمه: درمانگاه مکانی است برای معاینه‌ی بیماران.

۹۳- المعجمُ / كتابٌ يشرحُ معاني الكلمات. ترجمه: لغت‌نامه کتابی است که معانی واژگان را شرح می‌دهد.

۹۴- الجندِيُّ / يُدافعُ عن الوطن بروحه و جسمه. ترجمه: سرباز با روح و جسمش از وطن دفاع می‌کند.

فعلی که با فعل‌های دیگر در صیغه مناسب نیست را مشخص کن.

۹۵- فعل مضارع «تَسْأَلُونَ» جمع مذکر مخاطب (دوم شخص جمع) است و بقیه‌ی فعل‌ها جمع مؤنث مخاطب هستند: نهی، ماضی، امر.

۹۶- فعل مضارع «أَسْبِخُ» متکلم وحده (اول شخص مفرد) است و بقیه‌ی فعل‌ها مفرد مؤنث مخاطب (دوم شخص مفرد) هستند: امر، نهی، مضارع

۹۷- فعل ماضی «أَرْسَلُوا» جمع مذکر غایب (سوم شخص جمع) است و بقیه‌ی فعل‌ها متکلم مع‌الغیر (اول شخص جمع) هستند: ماضی، مضارع، مضارع منفی

۹۸- فعل مضارع «تَأْكُلْنَ» جمع مؤنث مخاطب (سوم شخص جمع) است و بقیه‌ی فعل‌ها جمع مذکر مخاطب هستند: مضارع، ماضی، مستقبل

۹۹- فعل مضارع «تَنْظُرِينَ» مفرد مؤنث مخاطب (دوم شخص مفرد) است و بقیه‌ی فعل‌ها مفرد مذکر مخاطب است: ماضی، مضارع، ماضی استمراری

۱۰۰- فعل نهی «لَا تَطْلُبِ» مثنای مذکر یا مؤنث مخاطب (دوم شخص جمع) است و بقیه‌ی فعل‌ها به ترتیب مثنای مذکر غایب (سوم شخص جمع) هستند: ماضی، مضارع، ماضی

یادآوری

① از میان چهارده صیغه و ساختار فعل ماضی دو صیغه‌ی ۸ و ۱۱ یعنی مثنای مذکر مخاطب (دوم شخص جمع مذکر) و مثنای مؤنث مخاطب (دوم شخص جمع مؤنث) ظاهرشان یکی است (فَعَلْتُمَا) که باید از جمله و کلمات دیگر جمله فهمید که مقصود کدام است.

② از میان چهارده صیغه و ساختار فعل مضارع دو صیغه‌ی ۴ و ۷ (مفرد مؤنث غایب و مفرد مذکر مخاطب) و نیز سه صیغه‌ی ۵، ۸ و ۱۱ (مثنای مؤنث غایب، مثنای مذکر و مؤنث مخاطب) ظاهرشان یکی است که باید از جمله و کلمات دیگر جمله فهمید که مقصود کدام است.



کلمه‌ای که در معنا با کلمات دیگر مناسب نیست را مشخص کن.

۱۰۱- روبه‌روی / روز / پشت / زیر

۱۰۳- گناه / انار / انگور / خرما

کلمه‌های مترادف و متضاد را مشخص کن.

۱۰۵- درنگ کرد، ماند

۱۰۷- خالی / پر

۱۰۹- کمک کرد

۱۱۱- شب / صبح

۱۰۶- پرت کرد، انداخت

۱۰۸- بسته / باز

۱۱۰- سخن گفت

۱۱۲- خوب

متن زیر را بخوان، سپس به پرسش‌ها پاسخ بده.

۱۱۳- در چه روزی دانش‌آموزان به مسافرت می‌روند؟ تذهب الطالبات إلى السفر يوم الخميس.

۱۱۴- چرا دانش‌آموزان خوشحال هستند؟ هن مسرورات لأنهن سوف يذهبن لسفرة علمية.

۱۱۵- دانش‌آموزان کجا می‌روند؟ هن يذهبن لسفرة علمية من شيراز إلى ياسوج.

۱۱۶- تهیه‌کردن لباس‌های مناسب برای چه چیزی است؟ لأن الجو في ياسوج بارد.

۱۱۷- در متن چند فعل وجود دارد؟ فعلاان اثنان (دو فعل): سوف يذهبن - سندهب



چهارگزیندهای سوالهای

عین الترجمة للعبارة.

۱- «هؤلاء يعملن بواجباتهن كمواطنات يشعرن بالمسؤولية.»

- (۱) اینان به عنوان شهروندانی که احساس مسئولیت می کردند، وظایف خود را می دانند.
- (۲) اینان به عنوان شهروندانی که احساس مسئولیت می کنند به وظایفشان عمل می کنند.
- (۳) آنان کسانی هستند که شهروندان را به وظایفشان آشنا ساخته و آن‌ها را راهنمایی می کنند.
- (۴) آنان همانند کسانی هستند که احساس مسئولیت می کنند و به وظایفشان عمل می کنند.

۲- عین الصحيح فی الترجمة.

- (۱) اذكری لنا أمثلة: برايشان مثال‌هایی را یادآوری کن.
- (۲) ذهبت لإغلاق حنفية الماء: برای بستن شیرهای آب رفتی.
- (۳) ينتفع بها الناس جميعاً: مردم همه از آن سود می بردند.
- (۴) لا نرمي التفایات في الشارع: زباله‌ها را در خیابان پرت نمی کنیم.

۳- ما هو الخطأ في الترجمة:

- (۱) المتاحف: موزه‌ها
- (۲) الاصطفاف الصباحي: صف صبحگاه
- (۳) فاق: پرید
- (۴) لبيت: ماند

۴- ما هو الخطأ:

- (۱) واجب = بديهی
- (۲) حسنة = سیئه
- (۳) التالي = القادم
- (۴) استلم = أعطى

۵- عین الصحيح فی الترجمة.

- (۱) الثامن عشر: هجده
- (۲) مئة: هزار
- (۳) تسعة عشر: نوزده
- (۴) ثلاثة وستون: سی و شش

۶- عین الترجمة الصحيحة «قامت جدتي بتوزيع الهدايا على البنين والبنات في حفلة الميلاد.»

- (۱) مادر بزرگم در جشن تولد پسران و دخترانش هدیه‌های زیبایی را پخش کرد.
- (۲) مادر بزرگم در جشن تولد اقدام به پخش هدیه‌ها میان پسران و دختران کرد.
- (۳) مادر بزرگم به پخش هدیه‌ها اقدام کرد زمانی که جشن تولد فرزندانش بود.
- (۴) مادر بزرگم در جشن تولد اقدام به پخش هدیه میان پسران و دخترانش کرد.

۷- عین الصحيح عن العمليات الحسابية.

- (۱) ستون ناقص عشر يساوي مئة.
- (۲) سبعة في اثني عشر يساوي أربعة و تسعين.
- (۳) سبعة و عشرون زائد خمسة و عشرين يساوي اثنين و ستين.
- (۴) واحد و ثمانون تقسيم على تسع يساوي تسعاً.

۸- عین الخطأ في الترتيب:

- (۱) عشرة، أحد عشر، اثنا عشر، ثلاثة عشر، أربعة عشر
- (۲) اثنان و ثلاثون، ثلاثة و ثلاثون، أربعة و ثلاثون، سبعة و ثلاثون، خمسة و تسعون
- (۳) الثامن، التاسع، العاشر، الحادي عشر، الثاني عشر
- (۴) ستون، سبعون، ثمانون، تسعون، مئة

۹- عین المناسب للفراغ: «ذهب لزيارة الإمام الرضا أئمتنا الطيبين.»

- (۱) ثامن
- (۲) ثمانية
- (۳) تسع
- (۴) تسعة

۱۰- عین الخطأ حول العدد و المعدود.

- (۱) في كل فريق سبعة لاعبين.
- (۲) خمس مسابقات رياضية في مدرستنا.
- (۳) يتألف كل فريق من عشرين لاعباً.
- (۴) حفظنا خمسة عشر سور من القرآن الكريم.





۱- گزینه‌ی «۲» هؤلاء: اینان / واجباتهنّ: وظایفشان / مۇاطنات: شهروندانى / پشعرن ب... : احساس

... مى‌کنند

۲- گزینه‌ی «۴»

ترجمه‌ی درست گزینه‌ها:

(۱) برایمان مثال‌هایی را ذکر کن.

(۲) برای بستن شیر آب رفتی.

(۳) مردم همه از آن سود می‌برند.

۳- گزینه‌ی «۳» فائق، یفوق، فوق: برتری یافت

۴- گزینه‌ی «۱» واجب = ضروری، مطلوب، لازم

۵- گزینه‌ی «۳»

ترجمه‌ی درست گزینه‌ها:

(۱) الثامن عشر: هجدهم

(۲) مئة: صد

(۴) ثلاثة و ستون: شصت و سه

۶- گزینه‌ی «۲» قامت ... ب: اقدام کرد / جدتي: مادربزرگم / توزيع: بخش / حفلة الميلاذ: جشن تولد

۷- گزینه‌ی «۴» $81 \div 9 = 9$

درست گزینه‌ها:

(۱) ستون ناقص عشر يساوي خمسين ($60 - 10 = 50$)

(۲) سبعة في اثنى عشر يساوي اربعة و ثمانين ($7 \times 12 = 84$)

(۳) سبعة و عشرون زائد خمسة و عشرين يساوي اثنین و خمسين ($27 + 25 = 52$)

۸- گزینه‌ی «۲»

ترتیب درست: اثنان و ثلاثون (۳۲)، ثلاثة و ثلاثون (۳۳)، اربعة و ثلاثون (۳۴)، خمسة و ثلاثون (۳۵)، ستة و ثلاثون (۳۶)

۹- گزینه‌ی «۱» ثامن (هشتم)، ثمانية (هشت)، تاسع (نهم)، تسعة (نه)

۱۰- گزینه‌ی «۴»

درست گزینه: حفظنا خمس عشرة سورة من القرآن الكريم.

خمس عشرة: عدد پانزده / سورة: معبود مفرد می‌آید.



۵۲

